



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

# آرمان انتظار و جمهوری اسلامی ایران

ابوذر یاسری

سلسله  
نشست‌های  
تخصصی  
۳۴



آرمان انتظار و جمهوری اسلامی ایران



# آرمان انتظار و جمهوری اسلامی ایران

سخنران

ابوذر یاسری

پژوهشکده مطالعات راهبردی فرهنگ





---

## آرمان انتظار و جمهوری اسلامی ایران

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

سخنران: ابوذر یاسری

ویراستار ادبی: حورا ناصری مرتضوی

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول - بهمن ۱۳۸۹

قیمت: ۵۳۲۰ ریال

چاپخانه: پیمان نواندیش

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف پیگرد قانونی دارد.

---

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولیعصر(عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی ۶۴۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن ۸۸۹۱۹۱۷۷ دورنگار ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: Nashr@ric.ir

## فهرست مطالب

سخن ناشر ..... ۷

### فصل اول - راهبرد انتظار و ضرورت تأسیس دولت اسلامی

درآمد ..... ۱۱

۱. معناشناسی انتظار ..... ۱۳

۲. مفهوم شناسی راهبرد ..... ۱۴

۳. مفهوم شناسی انتظار ..... ۱۷

۴. جایگاه انتظار فرج در دین اسلام ..... ۱۸

۵. رویکردهای موجود به انتظار ..... ۲۱

۶. رویکرد راهبردی به انتظار و ضرورت تأسیس دولت اسلامی ..... ۲۳

۷. دیدگاه‌های معارض با رویکرد راهبردی و تأسیس دولت اسلامی ..... ۲۵

۸. دلایل مخالفان تأسیس دولت اسلامی و نقد آن ..... ۲۹

### فصل دوم - دولت ممهّد؛ نسبت سنجی آرمان انتظار و نهضت امام خمینی(ره)

دولت ممهّد؛ نسبت سنجی آرمان انتظار و نهضت امام خمینی(ره) ..... ۴۱



## سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در راستای اهداف و وظایف خود اقدام به برگزاری نشست‌هایی با موضوع‌های مختلف در حوزه فرهنگ، هنر و ارتباطات می‌کند تا از این رهگذر فضای گفت‌وگو و تبادل نظر میان نخبگان فرهنگی کشور، نقد و بررسی مسائل و مشکلات مبتلا به جامعه فراهم آید.

گزارش پیش‌رو، نتیجه دو نشست با عنوان: «راهبرد انتظار و ضرورت تأسیس دولت اسلامی» و «دولت م مهد؛ نسبت سنجی آرمان انتظار و نهضت امام خمینی (ره)» با سخنرانی آقای ابوذر یاسری است که در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، پژوهشکده مطالعات راهبردی فرهنگ، گروه مطالعات راهبردی مهدویت برگزار شده است.

یادآوری می‌شود، موضوعات مطرح شده از سوی سخنران، لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های پژوهشگاه نیست.





## **فصل اول**

**راهبرد انتظار و ضرورت**

**تأسیس دولت اسلامی**



## درآمد

مفهوم انتظار از پیشینه‌ای بلند در تاریخ بشریت برخوردار است و تمام دوران نبوت انبیاء و رسل الهی را در بر می‌گیرد. تمامی انبیای الهی در برنامه خود دعوت به آن روز موعود (ظهور مقدس) را داشتند و ما می‌دانیم که مدینه فاضله و شرایطی را که به پیروان خود بشارت می‌دادند تا ظهور امام مهدی موعود (عج) محقق نخواهد شد. انبیاء خود نیز در انتظار فرارسیدن آن روز بوده‌اند. این موضوع را درباره پیامبرانی که کتاب آسمانی داشتند، با مطالعه بشارات کتب ایشان مشاهده می‌کنیم.<sup>۱</sup> در مورد سایر انبیاء نیز به روایتی از امام باقر(ع) اشاره می‌کنیم. آن حضرت می‌فرماید: «به این دلیل بعضی پیامبران اولوالعزم هستند که خداوند به آنان در خصوص حضرت رسول اکرم(ص)، ائمه هدی(ع)، حضرت مهدی(عج) و روش آنها عهد بست. این

---

۱. در این باره بنگرید مقاله نگارنده: «بشارات‌های پیامبران به امام مهدی(ع)» ماهنامه موعود، ش ۸۷ اردیبهشت ۱۳۸۷؛ همچنین: سید اسدالله هاشمی شهیدی، «ظهور حضرت مهدی(ع) از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، قم: مسجد مقدس جمکران؛ «بشارات عهدین»، تهران: امید فردا.

پیامبران نیز پذیرفتند و به مقامشان اقرار کردند. آن مقامی که ائمه (ع)، رسول اکرم (ص) و به‌ویژه حضرت حجت (عج) نزد خداوند دارند، انبیاء باید به این میثاق اقرار می‌کردند.<sup>۱</sup> در روایات دیگری آمده که خدا آنگاه از پیامبران پیمان گرفت و فرمود: «آیا نیستم پروردگار شما و اینکه محمد(ص) فرستاده من است و اینکه علی امیرمؤمنان است؟ گفتند: چرا و پیغمبری آنها پایدار شد و از اولوالعزم پیمان گرفت که من پروردگار شمایم و محمد(ص) رسول من است و علی(ع) امیر مؤمنان است و اوصیای پس از علی (ع) صاحب فرمانند و همان اولی الامر و گنجینه‌های دانشند.»<sup>۲</sup>

اولین مخلوق بشری در روی کره زمین که آدم ابوالبشر است و خود ایشان نبی است، تا انبیای اولی العزم و رسول اعظم(ص) همه به این مساله مهدویت و اعتقاد به وجود حضرت حجت(عج) ملتزم بودند و رسالت داشتند که امم خودشان را هم به سمت نقطه موعود بشارت دهند. بنابراین بحث انتظار به لحاظ تاریخی جایگاه خاصی دارد. وقتی وارد بحث تاریخ اسلام می‌شویم، از رسالت حضرت رسول(ص) و ائمه اطهار(ع) از همان ابتدا بحث بشارت به دوران حضرت حجت ملاحظه می‌شود و مردم را به سمت این نقطه نهایی بشارت دادند و آنها را به نوعی، آماده و منتظر کردند که منتظر فرا رسیدن این روز موعود باشند. روایت معصومین(ع) درباره امام مهدی(ع) را به تفکیک می‌توانید در کتاب «معجم الاحادیث الامام مهدی» - که به صورت هشت جلد چاپ شده - ملاحظه کنید.<sup>۳</sup>

روایات اهل بیت(ع) انتظار را جزء شرایط ایمان برشمرده‌اند. یعنی هر کس که می‌خواهد ایمانش مقبول واقع شود باید منتظر ظهور حضرت مهدی(ع) و فرا رسیدن حاکمیت جهانی آن حضرت باشد. در روایت است که روزی امام صادق(ع)

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸.

۲. «معجم الاحادیث الامام المهدی(ع)»، ۸ جلد، قم: بنیاد معارف اسلامی.

۳. همان.

خطاب به اصحاب خود فرمودند: «آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای صاحب عزت و جلال هیچ عملی را جز به آن، یعنی با اعتقاد به آن، از بندگان نمی‌پذیرد؟ عرض کردند: آری. فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست؛ یعنی همان توحید، اینکه حضرت رسول بنده و فرستاده اوست و اقرار کردن به آنچه خداوند به آنها امر فرموده و هدایت ما و بیزاری از دشمنان ما و تسلیم نبودن در برابر آنها، پرهیزکاری، تلاش و انتظار برای حضرت حجت(ع) بنابر این اگر کسی معتقد به امامت و انتظار برای ظهور امام مهدی(ع) نباشد عملی از او پذیرفته نمی‌شود. در روایات دیگری داریم که حتی اگر کسی همه عمرش را در بهترین نقطه روی زمین که مکه مکرمه باشد، به عبادت مشغول باشد بدون ولایت و بدون اعتقاد به این حقیقت عمل او پذیرفته نخواهد شد.

## ۱. معنانشناسی انتظار

در بحث انتظار، گاه برداشت‌های متفاوت و متناقضی، نه در بین عامه مردم، بلکه در بین کسانی که معتقد به مهدویت هستند، شنیده می‌شود. در این میان پرسشی که مطرح می‌شود این است که ما حدود ۳۰۰ سال است که وارد دوران مدرن شده‌ایم و حکومت‌ها و دولت‌ها، مدرن هستند در این قالب مدرن اگر بخواهیم منتظر باشیم و عمل به وظیفه انتظار کنیم، چگونه باید منتظر باشیم؟ یک تقسیم‌بندی کلی که درباره معنا و مفهوم انتظار ارائه شده این است؛ یکی انتظار منفی و دیگری انتظار مثبت. انتظار منفی بیشتر حالت سلبی و انفعالی دارد و حتی افزایش جرم و گناه را مقدمه ظهور حضرت می‌پندارد و ما در ادامه بحث به آن خواهیم پرداخت. اما در رویکرد مثبت به انتظار، دو رویکرد را می‌توانیم از یکدیگر تفکیک کنیم: یکی رویکرد کلامی - تاریخی است. این رویکرد برای ما آشناست. یعنی ما همان‌طور که تاریخ را بررسی

می‌کنیم، برای مثال تاریخ امامت و نبوت را بررسی می‌کنیم و ضمن این بررسی، مسائل آن را پاسخ می‌دهیم و وصایت هر کدام از ائمه را اثبات می‌کنیم وقتی به بحث مهدویت و اثبات امامت حضرت مهدی(ع) می‌رسیم، اثبات می‌کنیم که حضرت چه روزی و در چه شرایط تاریخی متولد شدند، چه افرادی شاهد و ناظر این ولادت بودند، زیرا ولادت به شکل مخفیانه بوده است و در نهایت حُجَّت حضرت برای ما به عنوان امام معصوم اثبات می‌شود.

رویکرد دوم، رویکرد راهبردی - تمدنی به مفهوم انتظار است که در بحث امروز به آن می‌پردازیم. این رویکرد با اینکه از لوازم و نتایج کلامی و تاریخی استفاده می‌کند و بهره می‌گیرد، اما به شکل مشخص هدف و مقصود آن، سریان و جریان دادن این اعتقادات در برنامه‌ریزی‌های راهبردی و استراتژیک برای کل نظام و بخش‌های مدیریتی زیر مجموعه آن است؛ به عبارت دیگر، انسان و جامعه متظر در این رویکرد به سوی تمدن‌سازی مهدوی حرکت می‌کند.

به عنوان مثال برای تفاوت این دو رویکرد، گاه ما سوار یک وسیله نقلیه می‌شویم و سعی می‌کنیم درون وسیله نقلیه رعایت موازین اسلامی را کنیم، یعنی درون این فضا ما گناهی را انجام نمی‌دهیم. اما دقت نمی‌کنیم که آیا سمت و سوی حرکت این وسیله نقلیه به سمت همان مقصد ما هست یا اینکه ما را به سمت دیگری می‌برد؟ رویکرد راهبردی - تمدنی در واقع می‌خواهد یک راهبرد و یا یک برنامه راه طراحی کند که البته در این برنامه، توجه به آن محتوای کلامی و تاریخی نیز فراموش نمی‌شود.

## ۲. مفهوم شناسی راهبرد

راهبرد چیست؟ راهبرد را دو گونه معنا می‌کنیم. نخست، معنای خاص راهبرد که مربوط به دوران گذشته است. راهبرد به اصطلاح برگرفته از واژه «استراتژوس» یا فارسی شده آن، استراتژی است؛ اگرچه تعاریف دقیق، محدد و مشخصی از این

واژه‌ها در منابع ما موجود نیست. البته با نگاهی به برگردان واژه استراتژی، درمی‌یابیم که استراتژی به عنوان هنر راهبری نظامی مطرح بوده است. برای مثال در قرن اول بعد از میلاد، یکی از استراتژیست‌ها به نام فرانتینوس، می‌گوید: «استراتژی به تمام آن چیزهایی اطلاق می‌شود که یک فرمانده نظامی آن را به دست می‌آورد.»

پس در نگاه خاص به راهبرد، آن را در زمره دانش نظامی قلمداد می‌کنند. اما در بحث نگاه کلان و عام به راهبرد - که اتفاقاً نگاه ما به راهبرد هم همین نگاه است - راهبرد را دانش ایجاد هماهنگی و همکاری بین همه طرح‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی در سطح کلان و هنر تخصیص و کاربرد ابزار نظامی برای تحصیل اهداف سیاسی می‌بینیم. به عبارت دیگر، راهبرد، طرح تشکیل، تجهیز و به‌کارگیری نیروها، اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی یک ملت یا اتحاد موقت ملت‌ها به منظور رسیدن به آن هدف نهایی است. به تازگی رشته‌ای به عنوان رشته مطالعات آینده و آینده پژوهی ایجاد شده که راهبرد را در قالب برنامه توسعه بلند مدت برای یک نظام سیاسی تعریف می‌کند. به عنوان مثال در نظام خودمان که یک کشور در حال رشد بودیم، سال‌های پس از دفاع مقدس سعی کردیم برنامه‌های توسعه پنج‌ساله را طراحی کنیم که هر دولتی علاوه بر دوره‌ای که رئیس دولت و کابینه وی تعیین می‌شود و برنامه‌ریزی جزئی که دارد، در اهداف کلان باید اهداف راهبردی پنج‌ساله نظام را پیاده کند. پس از آن نیز برنامه بسیار بلند مدت‌تر سند چشم‌انداز بیست ساله کشور را تدوین کردیم برای اینکه ما را به سمت آن آینده مطلوبی که می‌رویم، برساند.

بنابراین اسناد راهبردی به چند سطح، مثل: سند چشم‌انداز، برنامه‌های پنج‌ساله و سیاست‌های زیرمجموعه آن، تقسیم می‌شود.

اشاره شد که برای نظام سیاسی، راهبرد طراحی می‌شود. نظام‌های سیاسی به دو دسته فعال و منفعل تقسیم می‌شود. نظام‌های فعال «active» نظام‌هایی هستند که



سعی می‌کنند راهبرد مستقل داشته باشند و نظام‌های منفعل یا اصطلاحاً «passive» نظام‌های تابع هستند.

به عنوان مثال، دول غربی یا اروپایی، راهبردهایی را طراحی می‌کنند که کشورهای جهان سوم را ملزم می‌کنند که از آن راهبرد تبعیت کنند. برای مثال در منطقه خاورمیانه این قدرت‌ها به دنبال هدفی هستند که در آن کشور محقق می‌شود. ما در عمل نیز غیر از این کشورها راهبردی نمی‌بینیم. در بین راهبردهای موجود دو راهبرد را می‌توانیم از هم تفکیک کنیم: ۱. راهبرد قدرت ۲. راهبرد تدافعی. برخی از صاحب نظران، به خصوص استاد اسماعیل شفیعی سروستانی در کتاب «استراتژی انتظار»<sup>۱</sup> ایران را در زمره کشورهای می‌دانند که حاکمان گذشته‌اش، عموماً نوعی راهبرد قدرت را سرلوحهٔ ملک داری خود قرار داده بودند. برای مثال، در دوره‌های هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان قبل از اسلام و بعد از اسلام، غزنویان، افشاریان و حتی دوره‌های اولیه حکومت صفویان، این راهبرد قدرت دیده می‌شود. بعد از این در تاریخ ایران، شاهد راهبردهای چندش‌آور قاجاریه هستیم که تمامی دستاوردهای فرهنگی - اقتصادی ما را در برابر تند باد حوادث و رخدادهای عصر خودشان نابود کردند. در عصر حاضر نیز قدرت‌های بزرگ غربی همین راهبرد قدرت را پیش گرفته‌اند و کشورهای منطقه هیچ فعالیتی از خودشان ندارند و تابع هستند.

نقطه قابل توجه در تعریف راهبرد این است که در طراحی راهبرد مشاهده می‌کنیم که بین سه مفهوم: ۱. انسان ۲. راهبرد ۳. آیندهٔ مطلوب ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. یعنی طراحی راهبرد نمی‌تواند مجزا از نگاه ما و تعریف ما از انسان باشد. راهبرد نمی‌تواند مجزا از آیندهٔ مطلوب ما هم باشد. اگر آیندهٔ مطلوب مورد نظر ما رسیدن به جامعهٔ مهدوی است که در آن هیچ فقر، فساد و تبعیضی نیست، ما نمی‌توانیم الگوی لیبرالیسم را به عنوان راهبرد خودمان قرار دهیم. اگر چنین کاری کنیم مانند

۱. در این باره: استراتژی انتظار (۳ جلد در یک مجلد)، ج ۱، تهران: موعود عصر (عج).

همان وسیله نقلیه‌ای است که ما سعی کردیم در داخل آن احکام اسلامی را اجرا کنیم، اما سمت و سویی که می‌خواستیم به آن برسیم ۱۸۰ درجه با نقطه‌ای که رسیدیم تفاوت دارد. بنابراین باید هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و آینده مطلوب خودمان را بشناسیم و آنگاه راهبرد متناسب با آن را طراحی کنیم.

### ۳. مفهوم شناسی انتظار

انتظار را در معنای لغوی، چشم به راه بودن و منتظر بودن، گفته‌اند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «امید و چشم به راه بودن برای امت من مایه رحمت است و اگر امید نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی را نمی‌کاشت.»<sup>۱</sup> ما در نگاهمان به انتظار، در یک تقسیم‌بندی می‌توانیم رویکردی انفعالی یا رویکردی فعال داشته باشیم. رویکرد انفعالی به این معناست که ما منتظریم و کنار می‌ایستیم تا آنچه مورد انتظار ماست به وقوع بپیوندد. ما به این معنا منتظر هستیم. اما یک معنای دیگر انتظار این است که ما خودمان وارد شویم و برای وقوع آن امر، زمینه‌سازی و اقدام کنیم. در روایات ما، معنای دوم مورد نظر است. در معارف ما نیز مشهور است که: «هرکس در انتظار امری باشد خود را بر آن امر آماده می‌سازد.»

در روایات اخلاقی، بسیار آمده است کسی که طلب رسیدن به هدف بلندی را دارد و بدون اینکه حرکتی کند انتظار آن را می‌کشد، انتظاری عبث و بیهوده دارد. در معنای اصطلاحی، انتظار را به معنای انتظار فرج و انتظار ظهور امام عصر صلوات الله علیه، می‌شناسیم. انتظار فرج در ادیان گذشته جایگاه خاص خودش را دارد که ما وارد آن نمی‌شویم. اما به طور اجمالی، انتظار در اصطلاح خاص ادیان الهی به معنای چشم به راه بودن و کسب آمادگی برای ظهور منجی و افسین است.

به عنوان مثال، در بشارت حضرت مسیح (ع) در انجیل آمده است که آماده باشید تا آن روزی که کسی که در انتظارش هستید، برسد، مثل غلامی که آماده است تمام امکانات خود را در اختیار مولایش بگذارد. در مجموع در آموزه‌های ادیان به آمادگی برای ظهور و منجی آخرین تأکید شده است.

#### ۴. جایگاه انتظار فرج در دین اسلام

درباره جایگاه انتظار فرج در دین اسلام در دو بخش به آن اشاره می‌کنیم: ۱. در آیات قرآن کریم: در آیات قرآن کریم، ایمان و اعتقاد به غیب آمده است که غیب را در روایات به وجود حجت عصر و امام زمان (ع)، تفسیر کرده‌اند و شرط ورود به وادی تقوا و حضور در جمع متقین و لازمه بهره‌مند شدن از کتاب خدا یعنی قرآن معرفی شده است. در اولین آیات سوره مبارکه بقره: «الْم، ذَلِكِ الْكِتَابُ لَأَرْبِ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ، الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ». امامان اظهاری (ع) «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» را اعتقاد به امام زمان (ع) تعبیر کرده‌اند. در این آیه می‌فرماید: «این کتاب که هیچ تردیدی در آن نیست، مایه هدایت پرهیزکاران است. [یعنی] کسانی که به غیب، ایمان می‌آورند، [نه برای همه]؛ یعنی کسانی که ایمان به امام غایب (ع)، دارند.»

در آیه ۷ سوره اعراف می‌فرماید:

«فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لَلَّهِ فَانظُرُوا إِلَيَّ مَعْكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ: همانا غیب از آن خداست شما منتظر باشید، انتظار بکشید من هم با شما از انتظار کشانم.» - این آیه در جای دیگری نیز آمده است: سوره یونس آیه ۲۰.

در روایات معصومین (ع)، آمده است که «منظور از این غیب، امام غایب (ع) است.» عالم بر اساس سنن الهی در حرکت است، این سنن الهی را خدا قرار داده تا فاجر از صالح تمیز داده شود. اما خود او هم منتظر مصلح است؛ منتظر این است

که ما صالح شویم؛ منتظر این است که ما شرایط را آماده کنیم تا امام صالح ما ظهور کند. پس این انتظار به این معنا نیست که زمام امر از دست خدا خارج شده باشد.

انتظار فرج در روایت معصومین(ع): در روایات، انتظار را از لوازم ایمان و جزء فرایض برشمرده‌اند. امام جواد(ع)، می‌فرمایند: «به درستی که حضرت حجت(عج) از ماست و اوست مهدی که واجب است در غیبتش انتظار کشیده شود و در ظهورش اطاعت گردد و سومین امام از فرزندان من است.»

از امام صادق(ع) روایتی نقل شده که انتظار حضرت حجت صلوات‌الله‌علیه، را جزء شروطی می‌داند که اعمال را بدون آنها نمی‌پذیرد. یعنی من اگر می‌خواهم نماز، روزه، حج، زکات، همه پذیرفته شود چند شرط دارد که از جمله این شرط‌ها انتظار امام عصر(ع) است. در مدح‌ها و ستایش‌هایی که در وصف منتظران آمده است، می‌بینیم منتظر امر ظهور به سان کسی است که در راه خدا به خون خود غلتیده، یعنی به بالاترین درجه ایمان رسیده است.

دلیل اینکه برای انتظار این جایگاه رفیع ترسیم شده، آن است که انتظار سبب شده که ارتباط شیعه با امام معصوم(ع) خودش برقرار شود. یعنی شیعه در چه صورتی خودش را کنترل و اعمال و رفتار خود را محاسبه می‌کند؟ روشن است در صورتی که اعتقاد قطعی به وجود امام خودش و اعتقاد به نظارت او داشته باشد.

آیت الله جوادی آملی می‌فرمایند: «انسان در عصر غیبت، قسم سوم ندارد. مردم [دو دسته‌اند]: یا منتظران راستین حضرت ولی عصر(ع)، هستند. اگر منتظر نشدند، در جاهلیت به سر می‌برند.»

لازمه معرفت این است که انسان منتظر باشد. نمی‌شود که امامش را بشناسد ولی منتظرش نباشد. امام سجاد(ع) در روایتی می‌فرمایند: «مردم دوران غیبت که منتظر ظهور هستند برترین مردم همه روزگاران هستند؛ دلیل برتری این است که

می‌گویند ظهور و غیبت برای این مردم تفاوتی ندارد. به این معنا که این فرد چه امامش را ببیند چه نبیند، همان کاری را انجام می‌دهد که در زمان رؤیت امام انجام می‌داد. اگر من امام را نمی‌بینم، امام (ع)، که مرا می‌بیند. به تعبیر یکی از بزرگان؛ اگر ادب حضور را به جا نمی‌آوریم، ادب محضر را به جا آوریم. اگر من شخص امام را نمی‌بینم که حضورش را درک کنم و به خاطر آن او را احترام کنم، اگر بدانم عالم محضر امام زمان (ع)، است پس ادب محضر او را به جا می‌آورم. وقتی وارد جایی می‌شویم که بزرگی حضور دارد، ممکن است ما او را نبینیم اما چون آنجا محضر اوست پس ادب محضر را به جا آوریم؛ منتظران چنین کسانی هستند.

۲. دلیل دوم جایگاه رفیع انتظار در آیات و روایات این است که معیار حقیقی انتظار، معیار سنجیدن ارزش انسان‌هاست. به تعبیر دیگر می‌گویند ارزش هر کس را با چه چیزی می‌سنجیم؟ می‌گویند به آن چیزی که عاشق آن است. یعنی همان چیزی که نقطه اوج آمال و آرزوهای این فرد است. بنابراین در عصر غیبت برای سنجش ارزش انسان‌ها معیاری بالاتر از انتظار که لازمه آن شناخت امام و عمل به وظایف دینی برای انتظار ظهور امام است نمی‌توانیم بیابیم.

اگر شما فقط اعمال عبادی را بدون توجه به جهت و هدف آن به عنوان ملاک قرار دهید، هیچ وقت نمی‌توانید به ارزش حقیقی پی‌ببرید. امام صادق (ع) در مراسم حج حاضر بودند، یکی از یاران حضرت خیلی خوشحال بود می‌گفت چه حاجتی. چقدر مردم گریه می‌کنند، چقدر مردم با شور، نشاط و حال، حج به جا می‌آورند. حضرت فرمودند: می‌خواهی باطن فعل اینها را ببینی؟ حضرت دو انگشت خودشان را باز کردند و گفتند: ببین. می‌گوید من از بین دو انگشت حضرت نگاه کردم، حیواناتی را در حال حرکت دیدم...

کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نکنی

حاجی احرام دگر بند، ببین یار کجاست

پس معیار حقیقی برای ارزش انسان‌ها، معرفت امام و انتظار راستین است. از سوی دیگر، انتظار صحیح عامل پویایی فرد و جامعه است. وقتی ما نگاهمان به انتظار، پویا و فعال باشد و فرد یا افراد جامعه معرفت امام را داشته و انتظار صحیح داشته باشند، هیچ وقت جامعه دچار رخوت و انفعال نمی‌شود. به یاد دارم رهبر معظم انقلاب، در بیاناتی در جمع سفرای ایران در کشورهای دیگر، تأکید می‌کردند که در روابط خارجی با دول غربی منفعلانه منتظر ننمایند آنها حمله کنند و بعد شما اقدام تدافعی انجام دهید، بلکه سعی کنید فعالانه به مبانی پوچ، باطل و ظالمانه‌شان هجمه کنید تا آنها مجبور باشند دفاع کنند. حال اگر کسی منتظر واقعی باشد، با مسلح بودن به معرفت امام می‌تواند مبانی مادی را که تمام دنیای مدرن امروز برپایه آن شکل گرفته، مانند: لیبرالیسم، سکولاریسم، اومانیزم، سیانتیسم و... بشکند و هیچ وقت خودش در برابر آنها منفعل نشود.

## ۵. رویکردهای موجود به انتظار

یک رویکرد به انتظار، رویکرد فردگراست. رویکرد فردگرا فقط به لوازم فردی انتظار توجه می‌کند. به اصطلاح دغدغه اجتماعی برای آماده شدن جامعه برای این امر ظهور ندارد و لذا دارای نقص است.

اکنون افرادی هستند که وقتی نام امام زمان (ع)، به میان می‌آید یا بحث انتظار مطرح می‌شود، صرفاً به اینکه وظیفه فردی آنها چیست، می‌اندیشند. برای مثال بحث دعا را از نظر شخصی نگاه می‌کنند. به تعبیر امام خمینی (ره) صرفاً تصور می‌کند یک گوشه‌ای بنشیند و تسییحی بگیرد و عجل فرجهم بگوید، این را صرفاً می‌بیند. ما توجه به صلاحیت فردی را لازم می‌دانیم و معتقدیم منتظران مصلح خود باید صالح باشند و در این تردیدی نیست؛ اما کافی نیست. حضرت علی (ع) درباره لزوم

پرداختن به اصلاح فردی قبل از ورود به اصلاح اجتماعی، می‌فرماید: «تعجب می‌کنم از کسی که جامعه را اصلاح می‌کند، در حالی که خودش را اصلاح نکرده است.»  
 ما وجود صلاحیت‌های فردی در منتظران را می‌پذیریم، اما می‌گوییم کافی نیست یعنی فرد باید خودش را بسازد اما در نهایت باید به سراغ جامعه‌سازی و منتظرپروری هم حرکت کند. زیرا احکام اسلامی احکامی غالباً اجتماعی است.  
 رویکرد دوم، رویکرد اجتماعی به انتظار است که مورد تأکید بحث ما است. در رویکرد اجتماعی به انتظار، فرد افزون بر خود و خانواده، به زمینه‌سازی ظهور و فرج در سطح اجتماعی هم همت می‌گمارد. ما آیات و روایات مختلفی داریم که بر ولایت مؤمنان بر یکدیگر تأکید دارند.

حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «من أصبح و من لم یهتّم بأمر المسلمین فلیس بمسلم.» امام صادق (ع) می‌فرماید: «یجب للمؤمن علی المؤمن النصیحة؛<sup>۱</sup> نصیحت کردن مؤمنی بر مؤمن دیگر واجب است.»

یا در توقیع مبارکی از ناحیه مقدسه امام زمان (ع)، آمده است: «اگر شیعیان ما که خداوند موفّقشان بدارد، جمعاً بر وفای به عهدی که از جانب ما بر عهده‌شان است، گرد می‌آمدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تعویق نمی‌افتاد.»<sup>۲</sup> در این فرمایش ایشان می‌فرمایند: «جمعاً علی اجتماع من القلوب»؛ یعنی این پراکندگی و فردگرایی به تنهایی نمی‌تواند منجر به رسیدن به دیدار حضرت باشد.

از امام صادق (ع) نقل شده است که، فردی (از شیعیان خراسانی) نزد امام آمد و عرض کرد: شما چرا قیام نمی‌کنید؟ در یک روایت بحث آمادگی را مطرح می‌کنند که شیعیان من آماده نیستند هر چه از آنها می‌خواهم انجام نمی‌دهند.  
 اما در روایت دیگر امام می‌فرماید: من یاری ندارم. وقتی این شیعه تأکید می‌کند

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۹۶.

۲. طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۶۰۲.

شما در خراسان چقدر یار دارید؟ حضرت در پشتی منزل را باز می‌کند و تعدادی گوسفند را نشان می‌دهد و می‌فرماید، اگر من به این تعداد یار داشتم قیام می‌کردم، او می‌گوید من گوسفندان را شمردم ۳۰ تا ۳۵ رأس بیشتر نبودند. پس باید زمینه‌سازی اجتماعی در کنار آمادگی فردی حتماً صورت گیرد.

اما سؤال این است که آمادگی اجتماعی چگونه می‌تواند محقق شود؟

در عصر حاضر که عصر دولت‌های ملی و اتحادهای بین‌المللی است، شما باید گام در راه زمینه‌سازی جمعی و حکومتی بگذارید تا احتمال موفقیت متصور باشد. در این شرایط باید به سراغ آمادگی‌هایی در سطح نظام‌های سیاسی، آن هم در سطح راهبردی رفت. باید برنامه‌هایی دراز مدت برای انجام آمادگی اجتماعی طراحی کنیم تا بتوانیم، در نهایت به این جریان که گستره آن جهانی خواهد بود، وارد شویم لازم به ذکر است که پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی گام‌هایی در مسیر این آمادگی بود.

## ۶. رویکرد راهبردی به انتظار و ضرورت تأسیس دولت اسلامی

اشاره شد رویکرد اجتماعی می‌تواند زمینه‌سازی ظهور را در عصر حاضر محقق کند و فراتر از رویکرد اجتماعی، رویکرد راهبردی به انتظار است. رویکرد فردگرا ما را به مقصود نمی‌رساند.

جوهره انتظار، آمادگی است و وظیفه منتظران نیز آماده سازی جمعی و اجتماعی است. همچنین میان تعریف انسان، راهبرد و آینده مطلوب، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد که با نگاه به آینده درگیر می‌شود. بلافاصله این پرسش مطرح می‌شود که شما می‌خواهید به کدام سمت حرکت کنید؟

زمینه تحقق رویکرد راهبردی به انتظار، تأسیس نظام سیاسی است. شما بدون اینکه امروزه در جهان یک کشور و نظام سیاسی داشته باشید که احکام اسلام را



مبنای حرکت خود قرار دهد، نمی‌توانید مسلمان کامل باشید و گام نخست برای زمینه‌سازی ظهور مقدس این است که احکام اسلام اجرا شود. هیچ وقت نمی‌توان بدون تحقق احکام اسلام، زمینه‌سازی نمود. بنابراین روشن می‌شود که در جهان حاضر بدون تأسیس یک نظام اسلامی نمی‌شود زمینه‌سازی کرد. بنابراین از بحث انتظار، به تأسیس نظام سیاسی می‌رسیم.

ما حضرت امام (ره) را فردی مجتهد، اسلام‌شناسی تمام عیار و یک معتقد واقعی به حضور و ظهور امام زمان (ع) می‌دانیم، کسی که از عمق جان در انتظار فرارسیدن روز ظهور بود. ایشان انتظار فرج را در واقع انتظار قدرت و حکومت اسلام در جهان می‌دانستند. اگر منتظر فرج هستیم باید حکومت اسلامی جهانی محقق شود تا فرج حضرت فرا رسد.

امام بر اساس همین نگاه بود که تأسیس نظام اسلامی را سرلوحه اهداف خودشان قرار دادند. زمانی حتی برخی از مجتهدان و کسانی که نگاه فردگرا، داشتند براساس همین نگاه فردگرایانه مخالفت‌هایی داشتند. به تعبیر شهید آوینی، «امام آمد تا معنای انتظار را به ما بیاموزد»<sup>۱</sup> این انتظار با آن انتظاری که فرد می‌گوید من گوشه‌خانه به انتظار می‌نشینم و هر کس می‌خواهد حاکم جامعه باشد؛ شاه طاغوتی یا فقیه الهی، برای من فرقی ندارد، من فقط می‌خواهم مسلمان باشم، این دین فردی است که حتی کفّار هم مروج آن هستند. ما نباید اشتباه کنیم.

یکی از آقایان می‌گفت که امروزه غرب مخالف با نماز گزاردن شما نیستند، گفتم اتفاقاً آنها مروج دینداری فردگرا هم هستند زیرا چنین نمازی به برنامه‌های راهبردی غرب ضرری نمی‌زند. همان تعبیری که سفیرانگلیس در عراق داشت، وقتی صدای اذان پخش شد، پرسید که این صدای چیست؟ گفتند: صدای اذان است. گفت: به اهداف بریتانیای کبیر لطمه‌ای وارد می‌کند؟ گفتند: نه. گفت: بگذارید اذان

۱. آوینی، سید مرتضی، آغازی بر یک پایان، مقاله.

بگوید. اگر عبادت ما به اهداف استکباری و استعماری بریتانیای کبیر لطمه‌ای وارد نکند ترغیب و تشویق هم می‌کند. اگر امام (ره) ما می‌نشست در خانه خودش احکام را به شکل فردی بیان می‌کرد و فقط به تدریس ادامه می‌داد و زحمتی برای ایجاد نظام، متحمل نمی‌شد، حتماً هم از ایشان حمایت می‌کردند. اما ایشان جمعیت گسترده‌ای از مردم مسلمان را به سمت آمادگی ظهور پیش بردند. این معنای انتظار با آن معنا ۱۸۰ درجه تفاوت دارد.

### ۷. دیدگاه‌های معارض با رویکرد راهبردی و تأسیس دولت اسلامی

اما معارضان با رویکرد انتظار راهبردی، چه کسانی هستند؟ چه رویکردهایی معارض با راهبرد انتظار وجود دارد؟ گروهی بر اساس برخی از روایات رسیده از امامان معصوم، تأسیس دولت را منحصر به امام معصوم می‌دانند یا کسانی که از جانب ایشان دارای اذن خاص باشند. بر همین اساس، این عده که رویکردی فردی به انتظار دارند، به اجرا نکردن حدود، نماز جمعه و دیگر احکام اجتماعی اسلام (که اقامه آنها نیازمند وجود دولت است) قائل شدند.

قرآن کریم می‌فرماید: «اینها می‌خواهند حکومت طاغوت را بپذیرند، در حالی که از این کار نهی شده‌اند»<sup>۱</sup> اگر حاکم طاغوت نباشد باید یک حاکم دینی باشد، دیگر اینکه من چگونه قضاوت اسلامی را پیاده کنم، امکان ندارد. یا برای مثال شما می‌خواهید اجرای حدود کنید، اجرای حدود از لوازم اسلامی است. به شما اجازه اجرای احکام قضایی نمی‌دهند مگر آنکه مجری قوانین همان نظام شوید.

عده‌ای می‌گفتند چون در بعضی روایات یک معنایی آمده است که حکومت نباید تشکیل شود، بنابراین به شکل فردی منتظر باشید و نباید حکومت منتظر و زمینه ساز ایجاد شود.

---

۱. سوره نساء(ع)، آیه ۶۰.

این دیدگاه تا جایی پیش می‌رود که برخی از فقها در نماز جمعه بدون حضور امام تشکیک می‌کنند و می‌گویند چون نماز جمعه بحث حکومتی و اجتماعی است، واجب نیست و حتی احتمال حرمت هم دادند. برخی نیز حتی از این فراتر می‌روند و می‌گویند براساس روایاتی که ما در دسترس داریم، مقدمه قیام امام زمان (ع)، فراگیری شرک و ظلم در عالم است، از این رو هرچه فساد بیشتر شود، فرج نزدیک‌تر می‌شود و نتیجه می‌گیرند باید ولایت اهل جرم و ستم را به فال نیک گرفت.

درباره همین دیدگاه، علامه سید محمدحسین حسینی تهرانی (ره) گفته است: خودم در زمان پهلوی از یکی از علما بالای منبر شنیدم که می‌گفت: این بی‌حجابی که آمده است، ظهور حضرت را نزدیکتر کرده است و انسان نباید برخلاف این ممشی رفتار کند و نباید مردم را امر به حجاب نموده، نباید برای حجاب زنها قیام کرد. زیرا اینها ظهور را به تأخیر می‌اندازد.

من خودم از واعظی شنیدم که یک ساعت بالای منبر بحث می‌کرد و با ادله شرعی اثبات می‌کرد که دنیا مال دنیا پرستان است، ائمه را به دنیا داری، ریاست و حاکمیت چه کار؟ دخالت در امور سیاسی و اجتماعی مردم و نظایر آنها اصلاً مربوط به قضیه امامت نیست و قیام امام حسین (ع) اصلاً برای مبارزه با یزید نبوده است. حضرت از طرف پروردگار مأموریتی داشتند که در کربلا کشته شوند. این دیدگاه از آنجا شروع می‌شود تا به این نقطه می‌رسد که رواج ظلم مقدمه ظهور است.<sup>۱</sup>

دسته‌بندی از معارضان رویکرد راهبردی به انتظار که برای شما مطرح می‌کنیم، دسته‌بندی حضرت امام (ره) است. اولین دیدگاه از این مجموعه، به گوشه‌نشینی در کنج منازل، مساجد و حسینیه‌ها و دعا کردن اکتفا می‌کند. هر چند در حد بسیار محدود قائل به انجام امر به معروف و نهی از منکر یا فراهم نمودن ابزار یاری امام هم هست، اما خیلی محدود و خیلی فردگراست مثل شمشیر. در روایت داریم: هر

۱. در این باره ر. ک: حسینی طهرانی، سید محمد حسین، ولایت فقیه و حکومت در اسلام، (۴ جلد).

کدام از شما وسیله‌ای برای ظهور آماده کنید، ولو یک شمشیر باشد. آنها می‌گویند ما در خانه خود شمشیر نگه می‌داریم، اسب هم نگه می‌داریم و نظایر این ... اما بیشتر از این نمی‌اندیشند تفکر و تحول عمیق و اجتماعی ندارند. شما در ظاهر می‌بینید که کار حرامی مرتکب نشده است. این دیدگاه در مقابل رویکرد راهبردی به انتظار قرار دارد.

اگر طریق حق یک طریق باشد، طرق دیگر حق نیستند. اگر تأسیس حکومت وظیفه امروز باشد کسانی که در مقابل آن بایستند ولو اینکه به لحاظ فردی دیندار باشند در این موضعشان بر حق نیستند. نمی‌توانند دو دسته با هم تعارض داشته باشند.

دیدگاه دوم دیدگاهی بود که تأسیس هر حکومت و دولتی را قبل از قیام، باطل و مصداق طاغوت می‌داند. مروجان این دیدگاه نظریه خود را به روایتی مستند می‌کردند که آن روایت این است: «پرچم‌هایی که قبل از قیام حضرت حجت برافراشته می‌شود، صاحبش طاغوت است و براساس غیر خدا پرستیده می‌شود.»<sup>۱</sup>

دیدگاه سوم اساساً بی‌گیری مسائل سیاسی و اجتماعی را از تکلیف و وظیفه خودش خارج دانسته و پیروان خودش را از ورود به آن نهی می‌کند و قائل به این است که جز دعا کردن، تکلیفی بر عهده ما نیست و باید منتظر باشیم تا خود امام (ع)، بیاید.

دیدگاه چهارم معتقد است که افزایش ظلم و گناه موجب تعجیل ظهور می‌شود و می‌گوید ما نباید امر به معروف و نهی از منکر کنیم و دیدگاه پنجم این است که علاوه بر امر به معروف و نهی از منکر نکردن باید ظلم و جور را ترویج کنیم.

بعضی از این گروه‌ها که برای زمینه‌سازی ظهور و برای بحث انتظار و مهدویت فعالیت می‌کردند، هیچ مخالفتی با حمایت از بیگانگان نداشتند (یعنی قدرت‌های خارجی) دست اینها از آستین یکی از این گروه‌ها بیرون می‌آید. شما اگر برای مثال

به جریان بابت یا جریانی که اوایل پیروزی انقلاب بسیار رواج داشت و ضربه و لطمه بزرگی به جریان مهدویت وارد ساخت نگاه کنید، این بود که هر کسی می‌خواهد اسم حضرت حجت (ع) را ببرد می‌گویند شما منتسب به آن جریان هستید.

متأسفانه در بحث براءت، از مشرکان، کافران و مخالفان ولایت ابراز براءت نکردند و مخالفت با قدرت‌های استکباری و استعماری را فراموش کردند. در مجموع وجه مشترک این پنج رویکرد، مخالفت با تأسیس دولت اسلامی است که معتقدند حکومت نباید تشکیل شود.

بعضی از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران به این نگاه‌ها اعتراض کردند. به عنوان مثال، دکتر علی شریعتی می‌گوید: «بعضی از انتظار و اعتقاد به نجات بخشی موعود که غائب است، این معنا را استفاده می‌کنند که نجات بخشی و استقرار عدالت فقط موقوف به ظهور نجات بخش غیبی است، نه کس دیگر. بنابراین اعتقاد به غیبت، انتظار و اعتقاد به نجات بخش غیبی، بزرگ‌ترین سلاح برای دفاع از وضع موجود و بزرگ‌ترین عامل برای توجیه فساد است که با یک منحنی تصاعدی روز به روز بالاتر می‌رود.» این حرف‌ها در زمان پهلوی برای این بود تا به مردم بیاوراند که به ظلم تن دهند. اگر در نظام اسلامی، ظلمی هم اتفاق می‌افتد رهبر آن نظام خود از مدافعان تحول در این وضعیت است. ایشان از پرچمداران مبارزه با فقر، فساد و تبعیض است. خودش با سردمداران فساد چه در داخل دولت و چه در خارج از دولت درگیر می‌شود و از طرف دیگر نیروهای اجتماعی مانند دانشجویان را هدایت می‌کند تا عدالت‌خواه شوند. این است تفاوت با آن نظامی که عدالت‌خواهی را می‌میراند و به افراد می‌گویند کاری به شما ندارند و نباید عدالت گسترده کنید و شریعتی نیز به آن معترض می‌شود و با استاد مطهری دو نوع انتظار را مطرح می‌کند.

دکتر شریعتی ادامه می‌دهد: «اعتقاد به منجی، با همین اصول و این اعتقادات یک رویه متضاد طریق ظلم را ایجاد می‌کند که بزرگترین قدرت نفی‌کننده این

عوامل است و مردمی که مجهز به این ایدئولوژی می‌شوند نیرومندترین سلاح را برای نابودی فساد و بزرگترین ضربه را برای کوبیدن ظلم و بزرگترین انرژی برای حرکت به طرف آینده دارا هستند.» رویکرد ما به انتظار تعیین کننده رفتار ما است.

## ۸. دلایل مخالفان تأسیس دولت اسلامی و نقد آن

بررسی علمی دلایل مخالفان تأسیس دولت اسلامی نشان می‌دهد این افراد برای مدعای خود به روایاتی استناد می‌کنند.

به عنوان مثال، یک روایت از امام صادق (ع)، است که می‌فرماید: «هر پرچمی که قبل از قیام حضرت قائم (ع) به اهتزاز درآید، صاحب آن طاغوت است که به جای خدا پرستیده می‌شود.» این روایت در کتاب کافی، وسائل الشیعه و بحارالانوار نقل شده و روایت مستندی به نظر می‌رسد.

البته واقعیت آن است که این روایت گویای هدف آنها نیست و آن مدعا را اثبات نمی‌کند. (زیرا) پرچمی که قبل از قیام موعود(ع) به اهتزاز درآید و صاحبش طاغوت باشد، در صورتی می‌تواند منفی باشد که رهبر قیام به خودش دعوت کند، نه به دین خدا. اگر رهبر این حرکت و نظام سیاسی بندگان را به دین الهی هدایت کند، این اقدام، طاغوتی نمی‌شود. معنای طاغوت «کفر سیاسی» است. یعنی خود را به جای خدا بنشانند و برخلاف اوامر، به خود دعوت کنند. خداوند در قرآن به چنین شخصی طاغوت می‌گوید. اگر کسی آمد و به خدا دعوت کرد که دیگر طاغوت نیست.

به علاوه در روایات دیگری آمده است که گروهی در آخرالزمان می‌آیند و برای دولت و حکومت مهدوی زمینه‌سازی می‌کنند: «خرج اناس من المشرق فیمهدون للمهدی سلطانه»<sup>۱</sup> پس این (قیام و حکومت) روایت چیست؟ پس پرچم خراسانی

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷؛ ابن ماجه، سنن، ج ۲، ح ۴۰۸۸.

چیست؟ «رایات السود» که پرچم‌های زمینه سازان یاری حضرت هستند چرا اینقدر مدح و ستایش شده‌اند؟

امام خمینی (ره) می‌فرماید: روایت امام صادق (ع) احتمالاً درباره پرچم‌هایی است که قبل از ظهور می‌آیند ولی ادعای مهدویت می‌کنند.

در روایت دیگری آمده است که حضرت امام صادق (ع) زید بن علی را از قیام در برابر حکام جور نهی می‌کند. زید قصد قیام کرده بود. حضرت امام صادق (ع) به او فرمودند: ای زید، مثال کسی از این خاندان که قبل از قیام مهدی (ع) قیام نماید، مانند جوجه‌ای است که قبل از قدرت گرفتن بال‌هایش از لانه‌اش خارج شود. اگر چنین کند فرو می‌افتد و بازیچه کودکان می‌شود. پس از خدا درباره خودت پروا کن تا فردا در دروازه کوفه به دار آویخته نباشی. راوی می‌گوید جناب زید این توصیه را نپذیرفت و قیام کرد (با اینکه شخصیت او مورد تأیید اهل بیت (ع) بود).

اهل بیت (ع) به او می‌گویند ما می‌خواهیم تو مانند عالمی در بین امت باشی و مسائل آنها را جواب دهی و ما نمی‌خواهیم خودت را به دست آنها بسپاری تا تو را به دار آویزند. یعنی او از کسانی است که شخصیتش مورد تأیید اهل بیت (ع) است. اما استفاده‌ای که مخالفان تأسیس حکومت از این روایت می‌کنند این است که نهی امام صادق (ع) از قیام تا زمان غیبت ادامه دارد و زمان ما را هم فرا می‌گیرد. بنابراین کسی نباید برای احیای امر اهل بیت (ع)، پرچمی به دست بگیرد.

معنای سخن امام صادق (ع) روشن است و منظور، حفظ خاندان اهل بیت (ع) است. منظور حضرت این است که شرایط، مهیای قیام جناب زید نیست. امام حسین (ع) قبل از قیام حضرت مهدی (ع) بنا به تکلیف قیام می‌کنند، به علاوه اینکه یارانی دارند که وقتی حضرت زینب (س) از امام می‌پرسند: برادر آیا یارانتان را امتحان کرده‌اید که آنچه به سر امام حسن (ع) آوردند به سر شما نیورند و روز جنگ شما را به یزید نفروشدند؟ حضرت فرمودند: من آنان را امتحان کردم، تا وقتی

که خودشان به شهادت نرسند اجازه نمی‌دهند یک نفر از اهل بیت(ع) به شهادت برسند. یا در زمان دیگر، امام صادق(ع) فرمودند: «اگر من فلان تعداد یار داشتم، قیام می‌کردم.» پس نهی امام(ع) از قیام جناب زیدبن‌علی خاص بوده و دربارهٔ عموم و شمول آن دلیلی در دست نداریم. این روایات در کتاب «وسائل الشیعه»، باب حرمت قیام با شمشیر گرد آمده است. علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی(ره) در کتاب چهارجلدی «ولایت فقیه در حکومت اسلام»، این روایات را تحلیل کرده‌اند. در آنجا هم می‌توان پاسخ این برداشت از روایات را ملاحظه کرد.

همچنین در روایتی دیگر فردی نزد امام رضا(ع) می‌آید و می‌گوید: آقا از یکی از پدرانمان برای ما روایتی نقل کرده‌اند که عده‌ای نزد ایشان آمدند و عرض کردند در منطقه ما لشکرگاهی هست که به آن قزوین می‌گویند و دشمنانی هستند که به دیلم معروفند. آیا برای ما جایز است که برویم و با اینها جهاد کنیم؟

آن امام معصوم(ع) در پاسخ می‌فرمایند: «بر شما باد که حجّ خانه خدا را به جای آورید. آیا برای هیچ یک از شما خوش آیند نیست که در خانهٔ خود باشد و از آنچه خداوند به او عنایت کرده بر عیالش انفاق کند در حالی که منتظر امر ماست. پس اگر امر و قیام ما به او رسید مانند کسی است که با رسول خدا(ص) در جنگ بدر شرکت کرده است و اگر بمیرد درحالی که منتظر امر ماست، مانند کسی است که با حضرت حجت(عج) و در چادر فرماندهی او باشد.»

سپس امام رضا(ع) فرمودند: این راوی درست گفته و مطلب همین طور است. آیا این روایت دلیلی می‌شود که ما در عصر غیبت از قیام و تأسیس حکومت خودداری کنیم؟ این روایت و روایات نظیر آن ناظر به شرایط قیام است.

در روایات دیگری است که شخصی نزد یکی از حضرات ائمه(ع) آمد و همین سؤال را مطرح کرد که آقا حکومت به جنگی دعوت می‌کند، آیا ما هم اجازه داریم در این جنگ شرکت کنیم؟



حضرت فرمودند: آیا اگر تو در این نبرد شرکت کردی و به کسی که می‌جنگد امان دادی، آیا امان تو را قبول می‌کنند یا نه او را می‌کشند و امان تو را محترم نمی‌شمارند؟

یعنی آیا مطابق احکام اسلام عمل می‌کنند یا برخلاف آن، گفت: من مطمئن نیستم که این‌طور عمل کنند. امام فرمودند: پس حرام است، تو نباید بروی و با آنان در جنگ شرکت کنی.

فردی خدمت امام سجاد(ع) آمد و عرض کرد: چرا از جهاد خودداری می‌کنید درحالی‌که جدّ شما حضرت علی آنقدر جهاد می‌کردند؟ مگر آیه قرآن نمی‌فرماید: «إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهم ... یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون...»<sup>۱</sup>

حضرت فرمودند: آیه بعد را نیز بخوان که می‌فرمایند «التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف والنّاهون عن المنکر و...»<sup>۲</sup> این ویژگی‌های کسانی است که من باید بروم و همراه آنها بجنگم. اگر مؤمنانی با این ویژگی‌ها پیدا کردی بگو تا من بروم و بجنگم.

این روایت نیز در کنار همان مجموعه روایات آمده و نشان نمی‌دهد منظور اهل بیت(ع) این است که شما در هر شرایطی در جای خودتان بایستید و حرکت و قیامی در راه حق انجام ندهید. ما در بحث مقدمات ظهور روایاتی داریم که به عنوان مثال یمانی در یمین قیام می‌کند و پرچمش پرچم حق است و بر همه لازم است از او تبعیت کنند حتی اگر لازم باشد باید با دست و پا روی یخ و برف راه بروند تا به او برسند و به او کمک کنند.

بنابراین دلایلی که آنها آوردند چه از بُعد عقلی و چه از بُعد روایی و نقلی

۱. سوره توبه (۹)، آیه ۱۱۱.

۲. سوره توبه (۹)، آیه ۱۱۲.

مقبول نمی‌افتد و دلایل ما بر لزوم تأسیس روایت اسلامی بر اساس اطلاق و عمومیت آیات قرآن کریم بر لزوم قیام به حق و گسترش قسط در جامعه در همهٔ اعصار و زمان‌ها استوار است.

در قرآن کریم احکامی داریم که به قیام برای خدا دعوت می‌کند و اینکه قسط و عدل را اجرا کنید و از وظیفه خود کوتاهی نکنید و نسبت به کنار گذاشتن امر الهی شدیداً هشدار می‌دهد

«و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکافرون؛<sup>۱</sup> هر کس به آنچه که خدا نازل کرده حکم نکند اینها کافرند»،

«و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الظالمون»؛<sup>۲</sup>

«و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الفاسقون».<sup>۳</sup>

سؤال این است که آیا معنای ظلم، کفر و فسق در عصر غیبت تغییر یافته است؟ مگر قرآن به شکل دیگری تفسیر شده است که این آقایان بگویند ما برویم با ظلم ظالم همراه شویم، با فسق فاسق همراه شویم و با کافر همراه شویم. مگر امام زمان(ع) برای اجرای امری جز همین قسط و عدل می‌آیند؟ حتی یکی از بزرگان اهل معرفت می‌گفتند، شما اگر شخصاً هم می‌خواهید به امام نزدیک شوید، باید سعی کنید صفات امام را به شکل کمی محقق کنید چه برسد به سطح جامعه. حتی اگر رویکرد فردی به انتظار دارید باز باید سعی کنید خواست امام زمان(ع) را که همان احکام خدا و قرآن است پیاده کنید.

حضرت امیر(ع) می‌فرماید: «شما نمی‌توانید همه این ویژگی‌ها را پیاده کنید اما مرا در حداقل آن - ورع و اجتهاد - کمک کنید.» بنابراین آیات قرآن تعطیل بردار نیست؛ قیام به حق و گسترش قسط در جامعه چه در آن دوران و چه در دوره‌های

۱. سورهٔ مائده (۵)، آیهٔ ۴۴.

۲. سورهٔ مائده (۵)، آیهٔ ۴۵.

۳. سورهٔ مائده (۵)، آیهٔ ۴۷.

بعد تعطیل بردار نیست؛ از غیبت کبری تا به حال بیش از هزار سال گذشته است و ممکن است صد هزار سال دیگر هم بگذرد و اقتضا نکند که امام زمان ظهور کند. آیا در طول این مدت احکام اسلام باید بر زمین بماند؟ و هر کس هر کاری خواست انجام دهد؟ آیا باید هرج و مرج بشود؟ آیا قوانینی که پیامبر(ص) ۲۳ سال زحمت طاقت فرسا برای نشر آنها کشید، فقط برای مدت محدودی بود؟ و بعد از غیبت باید همه چیز را رها کنیم. اینها پرسش‌هایی است که پاسخی به آن داده نشده است.

امام خمینی(ره) در پاسخ نهایی به مخالفان تأسیس دولت اسلامی در عصر غیبت می‌فرماید: به فرض که آن روایات هم باشد، آیا معنایش این نیست که ما تکلیفمان ساقط است؟ باید روایات را با قرآن سنجد، اگر این روایات خلاف صریح قرآن باشد، قابل قبول نیست. آیا ضرورت اسلام را کنار بگذاریم؟ در مجموع ایشان می‌فرمایند هر روایتی باید براساس بیان صریح قرآن باشد و خلاف آن پذیرفتنی نیست.

ضرورت رویکرد راهبردی به انتظار، تأسیس دولت اسلامی و حکومت برای بقا و استمرار اسلام ناب در عصر غیبت است که امام خمینی(ره) مخالفت با چنین حکومتی را بدتر از اعتقاد به نسخ اسلام و این جریان را منکر ضروری اسلام می‌داند.

براساس همین رویکرد به انتظار، ما امروز براساس دسته‌بندی مقام معظم رهبری برای رسیدن به جامعه اسلامی نمونه، نیازمند تحقق این معنا در تمام اجزا و ارکان دولت اسلامی هستیم.

برای رسیدن به آن جامعه اسلامی باید دولت اسلامی تأسیس شود و دولت باید در ابعاد و ارکان اجرایی خود، در وزارتخانه‌ها، نهادها و بخش‌های گوناگون، این راهبرد انتظار را مورد توجه قرار دهد.

وقتی صحبت از راهبرد انتظار می‌شود، به این معنا نیست که برنامه‌های ما سمت

و سوی خودش را داشته باشد و فقط ما نیمه شعبان جشنی بگیریم، در موالید ائمه (ع) مراسمی داشته باشیم و در عزای معصومین عزا بگیریم و فکر کنیم نگرشمان به انتظار، راهبردی است. این روش همان انعکاس رویکرد فردی به انتظار است. این امور لازم است اما مهمتر از همه حرکت به سمت آرمان نظام اسلامی است. امام خمینی(ره) می‌فرماید: «انقلاب ایران نقطه شروع انقلاب جهانی به پرچم‌داری حضرت حجت(عج) است و اگر مسائل اقتصادی لحظه‌ای مسئولان را از این امر مهم باز دارد، آنان خیانت بزرگی مرتکب شده‌اند.» این مساله در شرایط کنونی بسیار حساس و مهم است. زیرا دول استعماری و استکباری غربی، با رهبری و پرچم‌داری آمریکا چون نمی‌توانند مفاهیم نظری و ایدئولوژی خود را مانند مفهوم دموکراسی یا ارزش‌های لیبرالیسم و... به شکل فرهنگی صادر کنند، بنابراین با ابزار و ادوات نظامی وارد شده‌اند تا این مفاهیم را به ما و کشورهای اسلامی تحمیل کنند. هدف و آمال آنان نیز در نگرش موعودگرایانه‌شان تشکیل اسرائیل بزرگ است.

حتی امروز برای اینکه اسرائیل بزرگ تأسیس شود و مطامع استعماری غرب مدرن تأمین گردد، به بحث بشارت‌های دروغین روی آورده‌اند. در ایالات متحده، شبکه‌های مختلف تلویزیونی که پربیننده‌ترین شبکه‌هاست مرتب هر صبح و شام به زبان‌های مختلف این مطلب را تبلیغ می‌کنند که برای فرا رسیدن بازگشت مجدد مسیح(ع) ما باید اسرائیل بزرگ را تأسیس کنیم. اسرائیل بزرگی که مرزهایش کشورهای اسلامی را در هم می‌نوردد.

آمریکایی‌ها مبلغان دینی و اسلامی را در عراق دستگیر و بازجویی می‌کنند. یک خبرنگار و فیلمساز ما می‌گوید بعد از دستگیری، از من ۳۰ سؤال در مورد شخص امام زمان(عج) پرسیدند. این بسیار مهم است. در واقع دشمنان ما، صهیونیسم بین‌المللی، روی بحث موعود انحرافی‌شان به طور جدی دست گذاشته‌اند تا بتوانند مطامع، اهداف و آرمان‌های خود را محقق کنند. سؤال این است، ما شیعیان که موعود

حقیقی و امام حی داریم و هیچ‌یک از ادیان دیگر امام حی ندارند، ما که این مزیت را داریم، چه کار کردیم؟ آیا صرفاً به برگزاری همایش اکتفا کردیم؟ آیا صرفاً به شعار اکتفا کردیم؟ یا اینکه آن را وارد برنامه‌ریزی‌های سیاسی و فرهنگی خود کرده‌ایم؟ در مجموع حیات و استمرار انقلاب اسلامی منوط به اتخاذ راهبرد انتظار در تمام اجزای دولت اسلامی است.

انقلاب اسلامی و دولت برآمده از آن، آرمانش ظهور است، انقلاب اسلامی دعوت به خودش نکرده است، دعوت به امام خودش حضرت حجت(ع) هست. همان‌طور که امام خمینی (ره) شب ۲۲ بهمن فرمودند: امر از سوی حضرت است، پیروزی انقلاب به اذن حضرت بوده است. وقتی آقای طالقانی می‌گوید که امشب شکستن حکومت نظامی خطر دارد، مردم را می‌کشند، خون می‌ریزند. بعد از آنکه نیم ساعت استدلال می‌آورد، اما در نهایت امام (ره) می‌گویند: امر از سوی حضرت حجت(ع) است.

مهم است که انقلاب اسلامی را چگونه تعریف کنیم. ما انقلاب و جمهوری اسلامی را معطوف به آرمان و راهبردی که برای آن آرمان طراحی کرده می‌شناسیم. اگر راهبرد و سندهای توسعه و چشم انداز ما از جنس مهدوی بود، ولی در حد الفاظ و عبارت، کافی نخواهد بود. باید آن را عملیاتی کنیم. آرمان مهدوی باید بر این چشم‌انداز غالب، حاکم و مسلط باشد نه با حرکت به سمت توسعه غربی.

امروز لازمه استمرار حیات ما نهادینه کردن نگرش راهبردی به انتظار است. همچنین از اقدامات زمینه‌ساز در این مسیر، گفتمان سازی انتظار است که لازمه آن به ویژه ترویج معرفت مهدوی(ع) و انتظار به معنای صحیح آن در بین اقشار مختلف، جامعه است. دلیل اینکه جریان‌های انحرافی در حوزه مهدویت به این سرعت در بین جوانان و مخاطبان رواج پیدا می‌کند این است که نیاز و تشنگی نسبت به مهدویت ریشه دار است. شما در هر بحثی نمی‌توانید جریان انحرافی پر جاذبه ایجاد کنید.

استعمار زمانی سراغ مهدویت آمد که فهمید محکم‌ترین پایگاه‌ها برای اسلام، مهدویت است. در سال ۱۹۸۴ کنفرانس بزرگی با عنوان: «تشیع، مقاومت و انقلاب» در اسرائیل برگزار شد. آنها گفتند چرا انقلاب ایران شکست نمی‌خورد؟ چرا آنان در حالی که همه دنیا در جنگ تحمیلی از عراق حمایت کردند اما جمهوری اسلامی ایران شکست نخورد؟ خودشان می‌گویند: به دو علت: یکی تفکر عاشورایی و دیگری آرمان مهدوی، که آرمان انقلاب اسلامی است.

به امید آنکه بتوانیم با ایفای وظیفه، انقلاب اسلامی را تا وصول به آرمان نهایی آن نهضت پیش ببریم و پا به رکاب مولای انقلاب باشیم.



## **فصل دوم**

**دولت ممهد؛ نسبت سنجی آرمان**

**انتظار و نهضت امام خمینی (ره)**





امروزه در مباحث جامعه‌شناسی انقلاب، آینده‌شناسی حرکت‌های اجتماعی بحث بسیار مهم و سرنوشت‌سازی است. یکی از نظریه‌پردازان انقلاب می‌گوید: «انقلاب بعد از یک دوره، رهبران خودش یا کسانی را که مسبب انقلاب بودند می‌بلعد و آنها را از بین می‌برد.» این بدان معناست که در جامعه‌ای که انقلاب شده، اگر آینده مطلوب طراحی و تعیین نشده باشد، حرکت آن انقلاب اجتماعی جهت معکوس و سیر قهقرایی می‌یابد.

بنابراین طرح‌ریزی استراتژیک امری بسیار حیاتی است. امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، با اتخاذ شیوه عمل براساس فرهنگ شیعی و سیره انقلابی نظام سیاسی را ایجاد کردند. از همین رو، در انقلاب اسلامی ما موضوع مهدویت، که از برجسته‌ترین جنبه‌های اسلام شیعی است، از ابتدا موضوع مهمی بوده و روز به روز جایگاه آن پررنگ‌تر می‌شود.

«برنارد لوئیس» در مقاله‌ای با عنوان «شیعه در تاریخ اسلام» بیان می‌کند: «سرکوبی

بسیاری از قیام‌ها و ناپدید شدن رهبران آنها در تاریخ شیعه، باعث ظهور یک ویژگی در دکترین شیعی شده و مسائلی مانند بحث غیبت رهبر شیعه؛ یعنی حضرت مهدی آخرین امام شیعیان را پررنگ کرده است. پیروان وی معتقدند که وی نمرده بلکه مخفی شده، به زودی از مخفیگاه خود بازخواهد گشت و این از اساسی‌ترین قسمت‌های این اعتقاد به‌شمار می‌رود. «ویلیام وات»، محقق «دانشگاه ادینبورگ»، در کتاب «اصول‌گرایی اسلام و مدرنیسم» بیان می‌کند: «اعتقاد به امامت و مساله انتظار از جمله ویژگی‌های تشیع‌اند که در اندیشه سیاسی شیعه، نقش مهمی ایفا می‌کنند.» «ماربین»، مستشرق معروف آلمانی در کتاب «انقلاب بزرگ» اشاره می‌کند: «اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور او از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم است که همیشه موجب امیدواری و رستگاری شیعه شده، حتی اگر آثار اعتقادات مذهبی از بین برود، شیعه دارای سرمایه‌ای خواهد بود که ماورای قوای طبیعی و آرزوی مذهب بوده و اقتدار و قوت حکومت خود را در عالم نگه خواهد داشت.» «پروفیسور آلگار»، صاحب‌نظر مسائل ایران، در پیروزی نهضت امام و انقلاب اسلامی سه عامل را مؤثر می‌داند: نخستین عامل «اعتقاد به مهدویت و زمینه‌سازی ظهور موعود»، عامل دوم، «مشروعیت نداشتن حکومت‌های موجود در عصر غیبت» است که هر دوی این عوامل ریشه در آموزه مهدویت دارد و سومین عامل را «اعتقاد به مفهوم شهادت، متأثر از قیام حسینی» بیان می‌کند.

«هانری گُربن» هم در بیانی ادبی، سرزمین ایران را از دید اخروی «سرزمین انتظار» می‌داند. قلمرویی که در آن امام غایب دست‌اندرکار فرا رساندن ساعت موعود در زمان غیبت است. «شهید آوینی»، منتقد فرهنگی و نظریه‌پرداز انقلاب اسلامی، هویت انقلاب اسلامی ملت ایران را «هویتی آخرالزمانی» و توأم با جریان انتظار می‌بیند و ملت ایران را امت آخرالزمان و امام امت را میراث‌دار همه صاحبان عهد در عصر جاهلیت ثانی و در زمانه غربت حق بیان می‌کند. ایشان می‌گوید: «امام آمد

تا معنای انتظار را در آینه وجود خود که اسوه منتظران بود به این امت بیاموزد.» همچنین بسیاری از شیعه‌شناسان دنیا، دو عامل را دلیل شکست ناپذیری نهضت امام و انقلاب ایران می‌دانند: «اول، آرمان مهدویت به مثابه عامل سبز و دیگر، نهضت عاشورا به مثابه عامل سرخ.»

بنابراین برای روشن‌تر شدن موضوع، باید جایگاه آموزه مهدویت در دو بعد اندیشه شیعی و جریان پیروزی نهضت امام خمینی (ره)، بررسی شود. بحث دیگر نیز، مفهوم شناسی دولت م مهد است و هدف از مفهوم شناسی این است که دریابیم آیا مسأله دولت زمینه‌ساز، که امام در نهضت خود به دنبال آن بود، هدفی است که به وقوع خواهد پیوست یا آرمانی انتزاعی و غیرواقعی است.

مهدویت، هم پشتوانه قرآنی و هم پشتوانه روایی دارد. حدود ۱۷۰ تا ۲۵۰ آیه از قرآن، تأویل مهدوی شده‌اند. در روایات آخرالزمانی اهل بیت (ع) از جمعیت و حکومتی سخن به میان آمده که قبل از ظهور و قیام موعود نجات‌بخش، زمینه را برای حضرت فراهم می‌کنند. از جمله این روایات، روایتی است که حضرت رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «مردمی از اهل مشرق قیام خواهند کرد و زمینه را برای ظهور حضرت مهدی و حکمرانی و سلطنت حضرت آماده خواهند کرد.» در روایت دیگری داریم که حضرت در جایی نشسته بودند و یکی از آیات قرآن تلاوت شد که صفات مؤمنین را بیان می‌کرد. اصحاب از حضرت سؤال کردند: «این ویژگی‌ها مربوط به چه کسانی است؟ آیا مخاطبِ ویژگی‌ها ما هستیم؟» حضرت فرمودند: «نه، اینها ویژگی‌های قومی است که در آخرالزمان می‌آیند که به شخصی با نام روح‌الله محبت می‌ورزند.» این مطلب را آقای «صفتاج» در مقدمه کتاب «انقلاب اسلامی و استعمار فرانو» آورده و سندش را هم آنجا ذکر کرده است.

روایت‌های زمینه‌سازان در نگاه کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول،

روایاتی است که گفته می‌شود: «زمینه‌سازان ظهور از مشرق قیام می‌کنند» و درباره گروهی که از مشرق قیام می‌کنند، چنین آمده که در برابر دشمنان امام مهدی (ع)، به ویژه بنی‌اسرائیل و یهود، مبارزه کرده، در نهایت بر آنها پیروز می‌شوند. دسته دوم، روایتی است که بیان می‌کند مردی از سلاله رسول اکرم صلوات‌الله علیه و آله، از شهری به نام قم خروج می‌کند. این شخص نهضتی را رهبری می‌کند که اطرافش را مردانی با ارادهٔ پولادین احاطه کرده، از مقاومت و نبرد خسته و مأیوس نمی‌شوند؛ نمی‌ترسند و بر خدا توکل می‌کنند.» دسته سوم، روایاتی است که با عنوان روایات م مهدان بیان شده؛ روایاتی که اماکن، شهرها و بلادی مثل قم، طالقان، خراسان را به‌عنوان محلّ حضور و قیام رهبران پرچم‌های زمینه‌ساز قیام حضرت حجت معرفی می‌کنند. محقق ارجمند لبنانی الاصل، «شیخ علی کورانی» در کتاب «عصر ظهور» می‌نویسد: «کلیه منابع روایی شیعه و سنی درباره حضرت حجت (ع) اتفاق نظر دارند که آن بزرگوار بعد از نهضتی مقدماتی که برایشان به‌وجود خواهد آمد، ظهور خواهند کرد.» یعنی حضرت بلافاصله و بدون تمهید ظهور نمی‌کنند. حال با این مقدمات بحث نظریهٔ دولت زمینه‌ساز و بحث آرمان انتظار در مبانی نظری و عملی حضرت امام را بررسی می‌کنیم. در بین مبانی نظری، اندیشه عرفانی امام خمینی (ره) حائز اهمیت است و این بدان دلیل است که امام قبل از اینکه یک فقیه انقلابی و قیام‌کننده باشند، حرکت خود را بر اساس «سیر الی‌الله» و «سلوک الی‌الله» تنظیم کرده بودند. امام، وجود عالم را ذیل وجود انسان کامل می‌بیند و حرکت به سوی کمال را که غایت آفرینش و ورود انسان به نشئهٔ ملکوتی یا دنیایی است در اثر سیر در همین صراط مستقیم می‌داند که این صراط مستقیم همان وجود انسان کامل است. وجود انسان کامل برای خلق عالم مانند نخ تسبیح برای یک تسبیح است که اگر این نخ نباشد، دانه‌های تسبیح در جایگاه خودشان مستقر نمی‌شوند. همچنین در این نگرش، اگر فیضی به هر یک از موجودات می‌رسد به دلیل وجود

انسان کامل است که واسطه این فیض است. چون فیض بسیط است، وقتی می خواهد از وجود حضرت حق به مخلوقات برسد نیاز به واسطه ای دارد که ظرفیت وجودی داشته باشد تا آن را درک کرده و به بقیه مخلوقات به اندازه وسع و ظرفیتشان افزوده کند و این واسطه، وجود انسان کامل است. انسان کامل در نگرش عرفانی امام خمینی (ره)، حضرات معصومین هستند که در عصر حاضر وجود حضرت حجت است. ویژگی های نگرش عرفانی امام خمینی (ره) عبارت است از:

۱. اینکه انسان کامل طریق قرب به حق است.

۲. امام زمان (ع)، انسان کامل است. امام در بیانات مختلفی این مطلب را بیان می فرمایند، برای مثال در تفسیر آیه شریفه «وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ»، می فرمایند که، مراد از «عصر»، انسان کامل است؛ امام زمان است. یعنی عصاره همه موجودات، یعنی وجودی که هر کدام از موجودات پیدا می کنند به دلیل وجود امام عصر (ع) است. «قسم به عصاره همه موجودات، یعنی قسم به انسان کامل، عصر هم، محتمل است که در این زمان حضرت مهدی (ع)، یا انسان کامل باشد که مصداق بزرگش رسول اکرم و ائمه هدی و در عصر ما حضرت مهدی (ع)، است. قسم به عصاره موجودات عصر، فشرده موجودات؛ یعنی همه عوالم در وجود امام زمان است، خود وجود حضرت است، یک نسخه است، نسخه تمام عالم. همه عالم در این انسان کامل عصاره شده و خدا به این عصاره قسم می خورد.» امام می فرمایند: «من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگتر از این است. نمی توانم بگویم که شخص اول است، برای اینکه دومی در کار نیست.» منظور این است که مرتبه دیگری بعد از ایشان وجود ندارد. یک چیز است و یکتاست، مانند حضرت حق که یکتاست، خلیفه اش نیز یکتاست. «ایشان را نمی توانیم هیچ چیزی تعبیر کنیم مگر همین که مهدی موعود است؛ آنی که خدا ذخیره

کرده است برای بشر.»

۳. امامان (ع) و امام زمان سبب نزول قرآن و ملائکه هستند. «ولی اعظم در ماه مبارک و شب قدر به حقیقت قرآن می‌رسد و سپس به وسیله ملائکه، که همه تابع او هستند، قرآن شریف را، نازل می‌کند. قرآن سرّی است بین حق و ولی‌الله الاعظم تا نازل می‌شود، تا می‌رسد به اینجایی که به صورت حروف و کتاب درمی‌آید که ما هم از آن استفاده ناقص می‌کنیم» و بعد می‌فرماید که، «نزول ملائکه در شب‌های قدر که الان هم برای ولی‌الله الاعظم حضرت صاحب (ع) این معنا امتداد دارد.»

۴. امام زمان (ع) صاحب ولایت ختمیه هستند. امام در بحث اسماء و صفات می‌فرماید: «هر نبی‌ای به واسطه یک اسمی به خدا راه پیدا می‌کند و در نهایت هم که مبعوث می‌شود از طریق همان اسم، مردم را ابلاغ می‌کند. رسول اکرم صلوات‌الله و سلامه علیه و آله، چون به واسطه تمام اسماء، به حق رسیدند از همه آنها نبوتشان کامل‌تر است و اوصیای حضرت رسول هم به همین ترتیب.» «آنکه با تمام اسماء و صفات رسیده است نبوت ختمیه دارد و آنکه از طریق صفت محدود و خاصی رسیده، نبوت محدود پیدا می‌کند و از طریق همان صفتی که از طریق او رسیده، مردم را به حق دعوت می‌کند، مثل حضرت یحیی که از راه خوف رسیده بود و مردم را از راه انذار و تخویف دعوت می‌نمود و حضرت موسی و عیسی که از راه اسم جامع‌تر رسیده بودند، نبوتشان جامع‌تر بود تا وجود شریف حضرت ختمی مرتبت که از تمام اوصاف و اسماء رسیده بود، نبوت ختمیه پیدا نمود. جامعیت هر نبوتی به هر اندازه باشد امامت و نیابت آن هم به اندازه جامعیت اوست.» امام خمینی (ره) ولایت را باطن نبوت می‌دانند و می‌گویند: «نبوت به هر اندازه که باشد آن ولایتی که باطن نبوت هست هم به همان

اندازه گسترده است.» بنابراین، امامت و نیابت آن هم به اندازه جامعیت اوست، زیرا نواب انبیا بالاصاله نرسیدند بلکه به تبع رسیدند؛ بنابراین ولایت حضرت امیر که وصی حضرت ختمی مرتبت بوده ولایت ختمیه است و چون حضرت رسول نبوت جامع داشته و ایشان به صفاتی که انبیای سلف رسیده با جامعیت دیگری رسیده بودند، ولایتی هم که باطن نبوت حضرت رسول بوده جامع است. از این رو، ولایت حضرت امیر که باطن نبوت پیامبر بوده جامع است. یعنی همه نبوت‌ها در ولایت حضرت امیر جمع شده است.» و نیز می‌گویند: «حضرت امیر فرمود کنتُ مع جمیع الانبیا سرّاً و مع خاتم جهرّاً.» اینکه امام زمان صاحب ولایت هستند روشن است. امام خمینی (ره) در بیانات خود می‌فرمایند: «حضرت مهدی (ع) ابعاد مختلفی دارد که آنچه برای بشر واقع شده بعضی از ابعاد اوست. چنانچه آنچه از قرآن و پیامبر اکرم برای بشر معلوم شده بعضی ابعاد آن معنویات است. معنویاتی که در قرآن است که برای هیچ کس جز پیامبر و کسانی که شاگرد او هستند و از او استفاده کردند کشف نشده و در ادعیه ما مسائلی است که همان‌طور است.» سپس می‌فرمایند: «همان‌طور که رسول اکرم به حسب واقع حاکم بر جمیع موجودات است، حضرت مهدی حاکم بر جمیع مخلوقات است. آن خاتم رسل است و این خاتم ولایت. آن خاتم ولایت کلی بالاصاله است و این خاتم ولایت کلی به تبعیت و ما قائل به این هستیم که نور نبوت و نور امامت از صدر خلقت بوده و تا آخر خواهد بود.»

۵. امام زمان جلوه اسم اعظم الله هستند. عبارت امام خمینی (ره) در این باره چنین است: «قلوب اولیا آینه تجلیات حق و محل ظهور اوست. چنانکه خدا فرموده، ای موسی زمین و آسمان مرا فرا نمی‌گیرد ولیکن دل بنده



مؤمنم مرا فراگیر است. چیزی که هست، دل‌ها در اینکه تجلیات حق در آنها تجلی و ظهور کند مختلف است. پاره‌ای از قلوب، عشقی و ذوقی است که خدای تعالی به اینگونه دل‌ها با جمال و زیبایی تجلی کند و پاره‌ای از قلوب خوفی که خدای تعالی بر آنگونه قلب‌ها به جلال و عظمت و کبریا و هیبت تجلی فرماید و بعضی از قلوب هر دو ویژگی را دارا هستند که خداوند بر آن به جلال و جمال و صفات متقابل، هر دو تجلی فرماید، یا به اسم اعظم جامع تجلی کند که این مقام به خاتم انبیا و اوصیای آن حضرت اختصاص دارد.» امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اسماء و صفات الهی همگی کامل هستند بلکه خود کمالند، زیرا آنجا نقصی وجود ندارد، همگی ظهور کمال و اسماء الهی و تجلیات آنهاست و کامل‌ترین اسماء الهی آن است که جامع همه کمالات است و مظهر آن اسم انسان کامل است که جمیع صفات و اسماء الهی است و مظهر همه تجلیات حق است.» این بدان معناست که در بین اسماء الهی آن چیزی که از همه کامل‌تر است، «الله» است که در وجود حضرت رسول و اوصیای ایشان تجلی دارد. هر کدام از مخلوقات، مظهر اسمی از اسماء خداوند هستند ولی مظهر همه اسماء در یک‌جا رسول اکرم و اوصیای ایشان‌اند. بنابراین چون ایشان انسان کامل‌اند، دیگر شرایط هم مظهر شریعت او هستند. «او پیغمبر بود و آدم هنوز در میان آب و گل بود، بلکه هیچ آب و گلی هم وجود نداشت و او پیامبر بود.»

۶. از مؤلفه‌های دیگر در نگره عرفانی امام که بخواهیم مرتبط با معنای به اصطلاح مهدویت باشد اینکه امام زمان (ع)، حقیقت معنای وجود هستند. امام می‌فرماید: «این وجود که جز این وجود هستی نیست نور است» و با این عبارت توضیح می‌دهند که، «الله نور السموات و الارض» و این نور

عبارت است از حقیقت رسول اعظم، اینکه ما می‌گوییم حقیقت، نه وجود جسمانی‌شان بلکه آن حقیقتی که اولین بار در عوالم دیگر آمد و به عالم دنیا که رسید به صورت جسم مجسم شد. امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «نور عبارت است از وجود و در دار هستی به جز او یعنی به جز نور خدا، نور و ظهوری نیست و هرچه نور و ظهور است به او باز می‌گردد.» امام صادق (ع) می‌فرمایند: «خداوند تعالی بود وقتی که هیچ بودی نبود و مکان را آفرید و نورها را آفرید، از آن نورها بقیه انوار آفریده شدند و این همان نوری است که از آن محمد و علی، صلوات الله علیهما، آفریده شدند و این نورها آمدند تا اینکه در سلب عبدالله و ابوطالب از هم جدا شدند.» در توضیح آیه «ثُمَّ ذُنِيَ فَجَاءَ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» که درباره رسول اکرم (ص) است می‌فرمایند: «همگی آن بزرگواران، یعنی همگی حضرات معصومین از نظر ولایتی یکی هستند.» چنان که در روایت آمده، اول ما محمد است، وسط ما محمد است و آخر ما محمد است و همه ما از یک نور هستیم.

۷. امام زمان (ع)، مفتاح کتاب تکوین هستند. امام می‌فرمایند: «همه عالم، عوالم وجود و کشور هستی، کتاب خداست و آیات و کلام و کلمات به آن را ابوابی است تنظیم شده که این باب‌ها و مفتاح‌هایی که برای آن تنظیم شده، یعنی خلقتی که انجام شده، وسیله‌ای داشته که آن وسیله حضرات معصومین بودند» که در زیارت جامعه هم آمده «بِکُمْ فَتَحَ اللهُ وَ بِكُمْ يَخْتَمُ»؛ خدا به وسیله شما نیز آغاز کرد، به وسیله شما پایان می‌برد. می‌فرمایند: «و این است جهت خاتمیت نبی مکرم و رسول هاشمی که او آغاز وجود است و در روایت است: ماییم سبقت‌گیرندگان و آخران.»

۸. وجود امام زمان (ع)، جامع کتب الهی است. یعنی جامع کتاب تکوین،

امام است. در روایات آمده «القرآن یتهدی الی الامام و الامام یتهدی الی القرآن» در جنگ صفین، سپاه معاویه، قرآن را بر نیزه زدند و حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «به این صفحه‌های کاغذ توجهی نکنید، من قرآن ناطق هستم.» یعنی وجود حضرت امیرالمؤمنین و اوصیای ایشان، حقیقت تجلی یافته قرآن مکتوب است. باید توجه داشت که در بررسی مهدویت و مسأله انتظار از دیدگاه امام خمینی (ره)، صرفاً نباید به لایه‌های سطحی دیدگاه ایشان نگریست، بلکه باید برای درک صحیح نگاه عارفانه آن حضرت به عالم هستی، وارد لایه‌های بنیادین اندیشه‌های ایشان شد تا جایگاه امام معصوم (ع) را در آن دریافت. از دیدگاه امام، غیر از امام معصوم وجودی موجود نیست و همه عالم در آن هست و نیز با توجه به دیدگاه عرفانی امام، الزاماً سیر به سوی حق و قرب به پروردگار، باید از طریق توجه به وجود امام عصر باشد. در نگرش فقهی امام خمینی (ره) بحث اندیشه انتظار صریح‌تر و آشکارتر مشخص می‌شود. زیرا ایشان وقتی بحث حکومت و بحث‌هایی مانند نظریه ولایت فقیه را مطرح می‌کنند، در شرایط غیبت امام زمان (ع) است، فقیه را متصدی امور می‌دانند و در زمانی که امام حاضر است، برای فقها حکومتی بالاصاله قائل نیستند. این را فقط از باب نیابت می‌دانند که فقها بیایند و حکومت را به عهده بگیرند و منسب و مناسب دیگر را باید با اذن امام کسب کنند. اما در زمان غیبت تنها کسی که اذن تصدی حکومت دارد فقیه است و این در اندیشه فقهی و سیاسی امام، که مبنای فقهی و اجتهادی دارد، کاملاً روشن است. ایشان می‌فرمایند: «فقها، می‌گویند باید حکومت یا قضاوت در اختیار کسی باشد مانند نبی یا وصی. فقها دارای شرایط این قضاوت هستند چون جانشین آنها هستند یعنی در عصر غیبت، امام مسلمین و رئیس‌المله می‌باشند.»

امام خمینی (ره) در عرصه عمل هم آرمان نهضتشان را «آرمان انتظار» و «زمینه‌سازی دولت مهدوی» معرفی کردند. ممکن است این معنا در برخی از بیانات ایشان، در پرده بوده، نیاز به تفسیر و بازگشایی داشته باشد. اما در بیاناتی هم به صراحت عنوان شده است. مانند این عبارت که می‌فرمایند: مطلوب حقیقی ما و نهضت ما اتصال به نهضت حضرت حجت (ع)، است. «من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی که نهضت ولی عصر سلام الله علیه، است متصل بشود.» ببینید ابتدای این مطلب برهان مبانی عرفانی امام این می‌شود که اساساً امام نمی‌تواند آرمانی غیر از وصول به آرمان انسان کامل در عصر حاضر داشته باشد. بنابراین کسی که مبانی ذکر شده را قبول داشته باشد و بخواهد مسلمان کامل و شیعه واقعی باشد، باید به همان طریق که امام اشاره دارند، حرکت کند. ایشان، جمهوری اسلامی را بر همین اساس و با هدف تمهید شرایط و زمینه‌سازی انقلاب امام عصر (ع)، تأسیس نمودند و حتی به مسئولان امر نیز نسبت به این امر هشدار می‌دهند. امام برای رسیدن به انقلاب حضرت حجت (ع)، چند مؤلفه را مطرح می‌کنند: اول، تأسیس حکومت اسلامی، دوم تحقق عدالت در کشور و سوم، صدور انقلاب، یعنی صدور نظامی که ایشان تأسیس کردند و نحوه این صدور را فرهنگی عنوان کرده‌اند نه نظامی. ایشان می‌فرمایند: اگر مسئولان جمهوری اسلامی ایران در این زمینه کوتاهی بکنند، خیانت سهمگین مرتکب شده‌اند. «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت ارواحنا فدا، است که خداوند بر همه مسلمانان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد» و نیز می‌فرمایند: «مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولان را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد.» امام می‌توانستند عبارات دیگری بیان کرده یا از آن صرف نظر کنند، اما کوتاهی در

این اقدام را خیانتی بزرگ می‌دانند. «دولت جمهوری اسلامی باید تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر امور مردم بکند، اما نباید از اهداف عظیم انقلاب، که ایجاد حکومت جهانی اسلام است، دور شود» و باز این مطلب، در جای جای فرمایش‌های ایشان ظهور و بروز دارد. برای مثال در پیام نوروزی سال ۱۳۶۱، در دوران جنگ تحمیلی، یکی از علائم ظهور موعود را «تقویت ایمان و شوق و شغف مردم به لقاء الله» دانستند. «ما امروز می‌بینیم که این جلوه‌ها حاصل شده و این شوق و شغف‌ها به لقاء الله برای آنها حاصل شده و دست عنایت خدای تبارک و تعالی به سر این ملت کشیده شده است و ایمان آنها را تقویت فرموده که یکی از علائم ظهور بقیه الله ارواحنا فدا، هست و امیدواریم که این انقلاب یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء، باشد.»

اما همان‌گونه که آرمان انتظار، نهضت امام خمینی (ره) را جهت داده، این نهضت هم بر اندیشه رایج انتظار در آن دوره، تأثیراتی گذاشته است. باید به این نکته اشاره کرد که در عصر غیبت صغری و کبری، در سلسله زعمای دین از همان اوایل شروع غیبت، توقعات متعددی از ناحیه مقدسه امام زمان (ع)، برای شیخ مفید صادر می‌شد و در آن توقعات ایشان را به مبارزه با باطل، دعوت به حق و فتوا دادن و راهنمایی مردم و شیعیان توصیه می‌کردند؛ یعنی حضرت، حرکت شیخ مفید را سمت و سو می‌دادند و از همان ابتدا بر جریان اجتهاد نظارت داشتند. بنابراین اجتهادی که امروز ایجاد شده همان شیوه اجتهادی است که حضرت بر آن تأکید می‌کنند و در مواقعی که زعما و فقهای جامعه شیعی به مشکل برمی‌خوردند، امام با صراحت با هر نحوه‌ای که رساننده مطلب باشد، به آنها کمک می‌کنند. برای مثال در عصر صفویه، شاه طهماسب صفوی، در نامه‌ای از «محقق کرکی» می‌خواهد به ایران آمده، حکومت را در اختیار بگیرد: «تو شایسته‌تری برای حکومت، برای اینکه تو نایب امام زمان (ع)، هستی و من فقط یکی از کارگزاران حکومت تو هستم تا

اوامر و نواهی تو را اجرا کنم.» امام صادق (ع)، به عمرین حنظله می‌فرماید: «هرگاه برای شما شیعیان مشکلی پیش آمد سراغ قضات و حکمای جور نروید به نظام خلافت رجوع نکنید، باید ببینید کدام یک از کسانی که بین شما هستند به علوم ما آگاه‌تر هستند و به سمت آن بروید و از آن حکم بخواهید و هرچه گفت اجرا کنید. اگر کسی از شما چیزی را که فقیه یا کسی که روایت ما را می‌داند دستور داد و اجرا نکرد، این مثل این است که ما را رد کرده است: «الراءُ علیهم کالراءُ علینا و الراءُ علینا علی حدّ الشّرك بالله!»؛ یعنی کسی که اوامر فقها را رد کند، اوامر ما را رد کرده و کسی که اوامر ما را رد کند در حدّ شرک به خداست. نتیجه اینکه نظریه دولت ممهّد که قبل از امام خمینی (ره) در بین بزرگان علما و اصطلاحاً زعمای شیعه پذیرش داشته و به دلیل نفوذ فرمانی که حضرت امام در سطح جامعه داشتند، پذیرش آن در جامعه بیشتر شد. وقتی از یکی از فقهای قبل از امام (ره) سؤال کردند که چرا شما قیام نمی‌کنید و حکومتی تأسیس نمی‌نمایید؟ ایشان جواب دادند: اگر انقلاب کردیم و اینها را کنار گذاشتیم چه کسانی این انقلاب را اداره کنند؟ برای اداره انقلاب نیرو لازم است. در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ امام در درس‌های فقهی خود به شاگردانشان توصیه می‌کنند که «شما دیگر مثل من این روال را ادامه ندهید. شما این درس‌ها را یاد نگیرید برای این هدف که بخواهید به کسی دیگر یاد بدهید. شما بروید فقه رسول‌الله صلی الله علیه و آله را در جامعه محقق کنید. چون فقه همان الگوی اداره جامعه است.» نکته دوم اینکه در جامعه ایرانی و در میان مردم ایران نیز آرمان انتظار مساله‌ای غریب و دور از ذهنی نبوده است، در زمان شاه رایج بود که مردم برای مخالفت با نظام و لقب بی‌مناسبتِ اعلی حضرت را که شاه برای خود انتخاب کرده بود در مراسم‌هایی مثل عروسی‌ها و جشن‌ها بالای کارت دعوت خود این‌طور می‌نوشتند: «اعلی حضرت، ولی عصر علیه‌السلام» تا به این نحو مخالفت خود را با شاه اعلام کنند. جلال آل احمد در کتاب غرب‌زدگی به این مطلب اشاره

می‌کند و می‌گوید مردم این دولت را عملۀ ظلم و عامل ظلم می‌دانند و می‌نویسند اعلیٰ حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، به همین علت تمامی نظام‌های حکومتی با همه جلال و جبروتشان مورد اقبال مردم قرار نمی‌گیرد. اما مردم در نیمه شعبان چنان جشنی برگزار می‌کنند که تنه به عید نوروز می‌زند؛ همان عید نوروزی که جشن ملی ایرانی‌های ما در گذشته بوده کوچک‌تر از جشن مردمی نیمه شعبان بوده است.

مطالب بعدی این است که امام بر رویکرد موجود نسبت به انتظار، تأثیر قابل توجهی گذاشتند. اما رویکرد انتظار قبل از پیروزی نهضت امام و غالب شدن رویکرد امام چگونه بوده است؟ ۱. قبل از تأسیس نظام اسلامی و آغاز حرکت مجاهدانه خمینی (ره)، نگاه به امام زمان (ع)، به عنوان منجی موعود و نجات‌بخشی بود که در آینده‌ای نامشخص خواهد آمد و بر درد و رنج بشر خاتمه خواهد داد؛ به همین مقدار اکتفا می‌شد. در این نگاه شما چه به امام زمان (ع) معتقد باشید و چه نباشید بر زندگی شما تأثیری نمی‌گذارد. حکومتی تأسیس بشود که آرمان آن انتظار باشد یا نباشد، برای امام زمان جشن بگیرند یا نگیرند، بر سرنوشت سیاسی، اقتصادی و نحوه برنامه‌ریزی و مدل حکومتی آن روز تأثیری نداشت. ۲. تمرکز نگاه بر عصر ظهور بدون داشتن چشم‌اندازی روشن برای اصلاح امور و بهبود وضع جامعه در عصر غیبت است. ۳. خلاصه شدن وظایف منتظران در دعا برای تعجیل فرج و نزدیک‌تر شدن ظهور منجی است. یعنی افراد منتظر، تنها وظیفه خود را دعا برای تعجیل فرج می‌دانستند بی‌آنکه اقدام عملی انجام دهند. ۴. ویژگی چهارم که مساله مهمی است، تأکید صرف بر ولایت‌ورزی و محبت امام زمان (ع) و غفلت از موضوع و مفهوم برائت‌جویی از مظاهر کفر، شرک و نفاق در عصر حاضر است. برای مثال برخی از گروه‌هایی که در خصوص مهدویت فعالیت می‌کردند با استعمار و استکبار خارجی مخالفتی نشان نمی‌دادند. یعنی آنان ضمن اینکه محب امام بود،

تعارضی بین این محبت با ارتباط با قدرت‌های استعماری نظیر انگلیس و آمریکا نمی‌دیدند. بنابراین با آن‌ها در ارتباط بودند. این مسأله مهمی است، چون بحث تبری مطرح می‌شود. برای نمونه در زمان امام کاظم (ع)، آن حضرت به صفوان جمال که از محبین حضرت امام کاظم (ع) بود، فرمودند: شنیده‌ام شترهایت را به هارون کرایه دادی، تا به حج برود. عرض کرد: بله آقا، من فقط به او کرایه دادم اما او را دوست نمی‌دارم، من طرفدار هارون نیستم، با شما هستم. حضرت سؤال معناداری از او پرسیدند، فرمودند: آیا دوست داری هارون تا زمانی که شترهایت را به تو برمی‌گرداند سالم بماند؟ گفت بله، این سرمایه مال من است، گفتند: به همین علت یک لحظه دوست داری او زنده بماند و دوست داری غصب حق ما ادامه پیدا کند. پس تو عملاً در ولایت از ما جدا شدی و ولایت او را پیدا کردی چون دوست داری دشمن ما زنده بماند.

از این رو بحث تبری در فرهنگ شیعه از جمله در زیارت عاشورا که منشور برائت شیعه است اهمیت زیادی می‌یابد. حضرت امام خمینی (ره) نیز در پیام حجشان گفتند که، «حاشا و کلاً که خلوص عشق موحدین جز در برائت کامل از مشرکین و منافقین متجلی بشود.» یعنی کسی در دعوی توحید صادق‌تر است که دشمنی و سرسختی‌اش با دشمنان از بقیه بیشتر باشد. روایت دیگری از امام صادق نقل است: «کذب من ادعی ولایتنا و لم یبتراً من أعدائنا»، کسی که ادعای دوستی ما را می‌کند اما از دشمن ما ابراز برائت نمی‌کند، دروغ می‌گوید. بنابراین در رویکردی که قبل از نهضت امام خمینی (ره) ترویج می‌شد، برائت از دشمنان جایگاهی نداشت، اما با حرکت امام (ره) این رویکرد متحول شد.

یکی از شاخصه‌های رویکرد امام خمینی (ره) به مهدویت و انتظار<sup>۱</sup> این است

---

۱. در این باره رک: شفیعی سروستانی، ابراهیم، معرفت امام زمان (ع) و تکلیف منتظران، انتشارات موعود عصر (عج).



که در این نگاه، حضرت مهدی (ع) به عنوان آخرین حجت خدا حاضر و ناظر رفتار شیعیان و همه مسلمین و افراد بشر است و نسبت به وضعیت حال مسلمانان بی تفاوت نیست؛ به خصوص نسبت به سرنوشت جامعه اسلامی. نکته‌ای را از مرحوم آیت‌الله بهاء‌الدینی نقل می‌کنند که، در اوایل انقلاب که برای کشور قائم مقام رهبری تعیین شده بود، عده‌ای خدمت ایشان رفتند. معروف است آقای بهاء‌الدینی محضر حضرت تشریفاتی داشته‌اند. ایشان گفتند سرنوشت جامعه شیعه در اختیار ما نیست که ما برایش رهبر تعیین کنیم. در زمان یکی از مراجع بزرگ شیعه مدنظر فقها بود که فلانی بعد از او مرجع آینده بشود، اما فرد جانشین زودتر از آن فرد اصلی از دنیا رفت و شخص دیگری که اینها فکر نمی‌کردند رهبر شد. آیت‌الله بهاء‌الدینی (ره) از ابتدای انقلاب می‌گفتند رهبری آیت‌الله خامنه‌ای نزد ما محرز (آشکار) است. ایشان به عنوان فقیه و عارف اشاره می‌کنند که خود حضرت امام زمان (ع)، به سرنوشت جامعه شیعی اشراف دارند، به خصوص جریانی را که محور جریان شیعه در عالم است. ممکن است بگویید که در دنیا به اصطلاح قدرت‌هایی هستند که به این مسائل ارتباطی ندارند. اما جریان شیعه تحت حمایت و حفظ اهل بیت و امام زمان (ع)، تا به امروز به اینجا رسیده است. ویژگی دوم ضرورت تلاش برای اصلاح وضع موجود با هدف زمینه‌سازی برای حکومت عدل حضرت حجت (ع)، است. یعنی امروز نیز اگر بخواهیم با رویکرد امام خمینی (ره) به مهدویت نگاه کنیم و در ادعای خود مبنی بر انقلابی بودن و اتصال‌مان به نهضت امام، صادق باشیم باید سعی کنیم که برنامه‌ریزی‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خود را به سمتی ببریم که مقوله انتظار با زندگی روزمره مردم ارتباط برقرار کند، نه صرفاً مثلاً در جشن نیمه شعبان یا در روز جمعه نوعی ارتباط حسی و عاطفی را تبلیغ کنیم. هرچند که این نیز مفید و در جای خود لازم است، اما تمام بحث نیست. ویژگی سوم، توسعه وظایف منتظران و منحصر نداشتن وظایف به دعا

برای تعجیل فرج است.

رویکردهای مهدوی معارضی با رویکرد امام خمینی (ره) نیز که قبل و بعد از پیروزی نهضت وجود داشته و دارد که امام به ردّ این رویکردها پرداخته‌اند. وجه مشترک این رویکردها، که گاهی به عنوان رویکرد مهدوی نیز ذکر می‌شود، نوعی ذهنیت و مخالفت با زمینه‌سازی برای دولت مهدوی است. این رویکردها در مقابل نظریه دولت مهدوی قرار می‌گیرند. مخالفت‌های موجود با رویکرد امام از نهی تشکیل و تأسیس حکومت آغاز می‌شود و تا جایی پیش می‌رود که در مقابل ظلم نه تنها شما را دعوت به سکوت بلکه دعوت به دامن زدن ظلم و گناه و حتی ترویج گناه می‌کند. این رویکردها مورد عنایت، توجه و حمایت‌های قدرت‌های استعماری و دشمنان انقلاب نیز واقع می‌شوند، یعنی یکی از راه‌های ضربه‌زدن دشمنان انقلاب به نهضت امام خمینی (ره) و حرکت انقلاب اسلامی، حمایت از این رویکردها، میدان دادن به آنها، عضوگیری، حمایت‌های مالی و معنوی از آنهاست. در دسته‌بندی که صورت گرفت پنج دیدگاه از یکدیگر تفکیک شد و برخی از اینها به شکل ظرفی از هم جدا شدند. یک دیدگاه، دیدگاهی است که قائل به گوشه‌نشینی در کنج منازل، مساجد، حسینیه‌ها و دعا کردن صرف برای ظهور است. اکثفاً به گوشه‌نشینی در حدّ بسیار محدودی قائل به انجام امر به معروف است. مثلاً فردی را برای رعایت حجابش، امر به معروف بکند، یا اینکه مثلاً ابزار یاری امام مثل شمشیر و اسب را فراهم بکند، حتی یکی از این افراد شمشیری آماده کرده و در خانه‌اش گذاشته و منتظر ظهور امام بود تا وقتی امام ظهور کردند در رکاب ایشان باشد. روایت هم داریم که هر یک از شما باید چیزی را برای ظهور آماده بکند، این هم شمشیر که آماده کرده بود. اما فکرش این بود که به دعا و گوشه‌نشینی بنشینیم. دیدگاه دوم، دیدگاهی است که تأسیس هر حکومت و دولتی را قبل از پیام موعود باطل و مصداق طاغوت می‌دانند، اینها دیدگاه خود را به

روایتی مستند کرده‌اند. آن‌ها معتقد بودند هر حکومتی قبل از ظهور امام تشکیل شود مصداق طاغوت است. سومین دیدگاه معارض امام، دیدگاهی است که اساساً مسائل سیاسی و اجتماعی را از حیطة وظایف منتظران خارج می‌داند، اصلاً نیازی به مسائل سیاسی و اجتماعی نیست. خودت هستی و خودت و آن دین خصوصی، دین فردی، دینی که امروز نیز گروهی آن را در مقابل اسلام سیاسی ترویج می‌کنند. دینی که پیروانش را از ورود به مسائل سیاسی و اجتماعی نهی می‌کند. امام خمینی (ره) می‌فرمایند یکی از آقایان مقدس‌نما اوایل انقلاب پیش من آمد و گفت که آقا سیاست، پدرسوختگی است، حیف است که شما ساحتتان را با سیاست آلوده کنید. امام در پاسخ گفتند: بله، آن سیاستی که مدّ نظر شماست این است که گفتی، اما سیاست از نگاه من مقدس است. چهارم، دیدگاهی است که افزایش ظلم و گناه را موجب ظهور می‌داند و می‌گوید که امر به معروف و نهی از منکر نکنیم، اما دیدگاه دیگری معتقد است، افزایش گناه، عامل ظهور و باعث ظهور است، این باعث نزدیک شدن ظهور است. مرحوم آیت‌الله تهرانی که در بحث فقیه در ولایت حکومت اسلام، چهار جلد کتاب دارند، می‌گویند: زمان پهلوی یکی از آقایان بالای منبر می‌گفت: همین بی‌حجابی مقدمه ظهور امام زمان (ع) است. چون در روایت نقل است، که حضرت بعد از اینکه دنیا را ظلم وجود فراگیرد، می‌آید. بنابراین افزایش ظلم و جور مقدمه ظهور است. دیدگاه امام، در برابر تمام این رویکردها قرار داشت. وجه مشترک این رویکردها عدم تأسیس دولت اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور است؛ دولتی که احکام اسلام را در حدّ مقدور و میسر خود می‌خواهد بسط بدهد. امام در بیان خودشان مخالفت با زمینه‌سازی را خلاف ضرورت اسلام بیان می‌کنند. البته عریض بنده نتیجه‌ای است که از یکی از فرمایش‌های امام گرفته‌ام. امام می‌فرمایند، فرض کنیم چنین روایاتی وجود داشته باشد، اینکه بنشینیم تا گناه زیاد شود و احکام اسلامی اجرا نشود، آیا به معنای ساقط شدن تکلیف ما و تعطیلی احکام اسلام

نیست؟ این خلاف ضرورت اسلام است، آیا این معنا که ما معصیت کنیم تا حضرت صاحب بیاید، خلاف قرآن نیست؟ یعنی برخلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر و امر به معروف برداریم و گناهان را توسعه بدهیم برای اینکه حضرت بیایند. حتی اگر ۲۰۰ روایت در این باب وجود داشته باشد، همگی باطل است، زیرا خلاف آیات قرآن است. هر روایتی بگوید نهی از منکر نباید کرد، باطل است. البته مبنای این فرمایش مطلبی مشهور است که نقل شده است هر چه را از ما شنیدید که خلاف [صریح] قرآن بود، به دیوار بزنید. درباره توضیح روایتی که فرمود: «هر پرچمی که قبل از قیام حضرت حجت به اهتزاز درآید، صاحب آن طاغوت است که به جای خدا پرستیده می شود» منبع روایت، موثق است، در کتاب کافی مرحوم کلینی، جلد ۸ وسائل الشیعه و در بحارالانوار نیز ذکر شده، یعنی روایت بدون سندی نیست. اما امام خمینی (ره) آن را تحلیل می کنند و می فرمایند: این احادیث مربوط به تشکیل حکومت خدایی عادلانه‌ای که هر خردمندی وجود آن را لازم می داند، نیست. بلکه در روایت اول دو احتمال متصور است، یکی آنکه به خبرهای ظهور ولی عصر (ع) و علائم ظهور مربوط باشد و بگوید علم‌هایی که به عنوان امامت، یعنی مهدویت، قبل از قیام حضرت برپا می شود، باطل است. چنانکه در ضمن همین روایت علامت‌های ظهور نیز ذکر شده است و به دنبال این روایت، روایت‌هایی است که به علائم ظهور پرداخته است. احتمال دیگر مسائلی از قبیل پیش‌گویی از حکومت‌هایی است که تا زمان ظهور در جهان تشکیل می شود و هیچ کدام به وظیفه خود عمل نمی کنند. اگر مردی، مردم را از طریق حکومتی که تشکیل داد دعوت به پرستش خدا کرد و احکام خدا را پیاده کرد، هیچ عقل سلیمی نمی گوید که این حکومت طاغوت است. بنابراین امام (ره) در رد دیدگاه‌های معارض، دلایل خودشان را بیان می کنند و تنها راه چاره را برای رسیدن به آن، تأسیس حکومت زمینه‌ساز می دانند. شهید مطهری نیز می فرماید: انتظار دو نوع

است؛ سازنده یا نگه‌دارنده و انتظاری که مایوس‌کننده، باعث انزوا و گوشه‌نشینی و ویران‌گر است. انتظاری که انتظار فرج و آرزو و امید بستن به آینده را به دنبال دارد انتظاری سازنده، نگه‌دارنده و تعهدآور است، نیروآفرین و تحرک‌بخش است به گونه‌ای که می‌تواند نوعی عبادت و حق‌پرستی شمرده شود. در روایت نیز نقل شده: «افضل الاعمال انتظارُ الفرج»، بنابراین انتظار، عمل است نه نشستن در گوشه‌ای و کناره‌گیری از عمل. حضرت امام در نگاهی کلی سه راهبرد اساسی برای زمینه‌سازی بعد از پیروز شدن نهضت‌شان بیان کردند. امام هدفشان زمینه‌سازی بوده از این‌رو می‌فرمایند ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم و ظالم بایستد، مشتت را گره کرده و به دهان ظالم بزند و نگذارد که ظلم زیاد شود، ما تکلیف داریم؛ این‌گونه که چون ما منتظر ظهور هستیم پس در خانه‌هایمان بنشینیم و تسبیح دست بگیریم و بگوییم «عَجَلِ عَلِيٍّ فَرَجِهِ» بلکه، عَجَلْ با کار شما باید تعجیل بشود. شما باید زمینه را برای آمدن فراهم کنید و فراهم کردن به این معناست که مسلمین را با هم مجتمع کنید، همه با هم بشوید انشاءالله حضرت ظهور می‌کند. اولین راهبرد از راهبردهای سه‌گانه مورد نظر امام خمینی (ره) برای دولت زمینه‌ساز، «تأسیس شهر منتظران» است. به این معنی که برای تشکیل حکومت مهدوی باید بستری فراهم بشود، در چنین بستری می‌توان جمعیت زیادی را برای ظهور حضرت آماده کرد، ارکان این بشر باید از ارکان دینی باشد. یعنی نهادهایش، نحوه تصمیم‌گیری‌اش و نحوه اعمال حکومت آن، تا جایی که مقدور است دینی باشد حضرت امیر نیز نتوانستند صددرصد حکومت اسلامی را در عصر خودشان محقق کنند، از این‌رو طبیعی است زمانی که فردی مثل فقیه جامع‌الشرایط در رأس حکومت قرار می‌گیرد، او نیز صددرصد یا حتی ۸۰ درصد نتواند حکومت اسلامی را مستقر سازد اما به مقدار میسور و مقدور زمینه را فراهم می‌کند تا فردی که می‌خواهد صالح باشد، بتواند صالح باشد و فردی که می‌خواهد فاسد باشد راه خودش را انتخاب می‌کند، ولی فردی که

می‌خواهد صالح باشد در زمان حکومت‌های غیبت نمی‌تواند صالح باشد. تأسیس شهر منتظران به معنای ایجاد جامعه نمونه اسلامی به منظور پیاده کردن احکام اسلامی است. ائمه ما نیز به ضرورت این مطلب اشاره کرده بودند، ما می‌توانیم به این مسأله نگاه حکومتی داشته باشیم. مثلاً امام هادی (ع) در روایتی فرمودند: اگر در زمان غیبت، علمایی نباشند تا مردم را سوی او امام مهدی (عج) دعوت و به او متوجه کنند و به وسیله دلیل از دین خدا دفاع نمایند و بندگان ضعیف را از دام ابلیس برهانند، کسی باقی نخواهد ماند مگر آنکه مرتد خواهد شد. معنی حکومتی این روایت این است که علما در زمان‌های دیگر باید با هزار مشقت، سختی، تبعید و هجرت دین را حفظ کنند. امام ما که قصد این کار را داشت تبعیدش کردند، فردی که می‌خواهد نظریات صریح و طبیعی دین را ارائه کند، تبعیدش می‌کنند اما به افرادی که نظر انحرافی می‌دهند میدان، امکانات و منبر می‌دهند، کسی مثل شیخ فضل‌الله را که قصد تبیین دین را دارد به دار می‌کشند. بنابراین این شرایط مهیا نمی‌شود. اگر ما تحلیل حکومتی داشته باشیم باید حکومتی تأسیس شود تا بتوانند از این علما حمایت کنند، امروز در نظام‌های دولت‌های مدرن این میسر نیست، به راحتی افرادی را که مخالفشان هستند با حمایت قدرت‌های مستکبر حذف می‌کنند. در روایت‌هایی دیگری نیز به فراهم نمودن قدرت به منظور زمینه‌سازی ظهور، اشاره می‌شود. حال این روایت را به چه نحو می‌توان عملی کرد. باید حکومت یا جامعه‌ای تشکیل داد تا به شکل همه‌جانبه این زمینه‌سازی صورت گیرد. حضرت امام (ره) بر این مسأله تأکید کردند، مقام معظم رهبری نیز بعد از حضرت امام بر این بُعد تأکید می‌کنند. بنابراین بحث زمینه‌سازی برای حکومت دولت زمینه‌ساز از زمان فقهای قبلی آمده است، می‌توان پنج مرحله برای این قضیه ذکر کرد که زمان حضرت امام، پنجمین مرحله آن محقق شد. مرحله اول دوره تدوین راه و نحوه عمل فقها در غیبت امام است که این مرحله از شیخ کلینی و مفید شروع می‌شود و تا محقق

گرکی ادامه یابد. مرحله دوم دوره رسمیت یافتن تشیع و بیان دلایل ولایت فقها یا نواب عام امام زمان در غیبت است. این دوره از محقق گرکی تا محقق نراقی را در بر می‌گیرد. مرحله سوم، مرحله قاعده‌مند شدن نظریه ولایت نواب عام است که البته این را در باب بحث ولایت فقیه عنوان می‌کنند. از محقق نراقی تا محقق نائینی را شامل می‌شود و مرحله چهارم دوره تثبیت نظریه است که از محقق نائینی تا زمان ما را در بر می‌گیرد. اما این دوره در برابر اندیشه لیبرالیسم،<sup>۱</sup> جمهوریت خواهی و مبانی ولایت فقیه تحقق می‌یابد، یعنی تثبیت می‌شود. پنجمین مرحله این سیر هدفمند که هم‌زمان با اقدام شجاعانه امام و قیام مجاهدت ایشان است به صورت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا می‌کند؛ این مرحله را حضرت امام به فرجام می‌رسانند. بنابراین این راهبرد اول که تأسیس شهر منتظران است زمینه‌سازی را انجام می‌دهد. مرحله دوم در بیانات امام مرحله عدالت‌گستری است که مهمترین کار ویژه دولت ممهّد است. یعنی زمانی که نظام سیاسی را تأسیس کردیم، باید عدالت را در کشور مستقر کنیم. در باب استقرار عدالت امام به سیره امام زمان (ع) استناد می‌کنند. می‌فرمایند مقصود از حجت بودن امام معصوم این نیست که صرفاً بیان‌کننده احکام است. زیرا گفته بزرگانی نظیر زراره و محمدبن مسلم نیز حجت است و هیچ کس حق مردود دانستن و عمل نکردن به روایات زراره را ندارد. بلکه منظور از حجت بودن امام زمان (ع) و پدران بزرگوارش صلوات‌الله علیهم اجمعین این است که خداوند تعالی به سبب وجود ایشان، سیره، رفتار و گفتار آنان در تمام شئون زندگی‌شان بر بندگان احتجاج می‌کند. از جمله شئون امامان، عدالت آنان در همه زمینه‌های حکومت است، به عنوان مثال امیرالمؤمنین (ع) برای تمام فرمانداران و حاکمان ستم‌پیشه حجت است. زیرا خداوند به واسطه سیرت آن بزرگوار باب عذر و بهانه را بر همه آنان در تعدی از حدود الهی و تجاوز

به انبار مسلمین و سرپیچی از قانون اسلامی بسته است. همین گونه دیگر حجت‌های خداوند، به ویژه حضرت ولی عصر (ع) که عدل را در میان مردم می‌گستراند و زمین را از قسط پر می‌کند و بر اساس نظامی عادلانه بر مردم حکم می‌راند. امام در جای دیگر می‌فرماید که حضرت ولی عصر (ع) می‌آید تا ظلم و جور را بردارد. ما اگر قدرت داشتیم باید تمام ظلم و جورها را از عالم بر می‌داشتیم. تکلیف شرعی ماست منتهی از توان ما خارج است. الان عالم پر از ظلم است، ما باید اسباب ظهور را فراهم کنیم تا عالم برای آمدن حضرت مهیا بشود. امام بحث عدالت‌گستری را مقدمه آن نهضت می‌دانند و باید این نهضت در تمام عالم گسترده شود. ایران باید مبدأ و الگو برای همه ملت‌های مستضعف باشد. ملت‌های مستضعف ببینند ایران با دست خالی و با قدرت ایمان وحدت محدود کلمه به مدد اسلام در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستاد و آنها را شکست داد. سایر اقشار ملت‌ها به این مرز اسلامی اقتدا کنند، به پا خیزند و وعده الهی که شامل مستضعفین است محقق شود. بحث صدور انقلاب عنوانی است که در سند چشم‌انداز به آن اشاره شده است. صدور انقلاب‌مان زمانی میسر است که ما برای جهان الهام‌بخش باشیم نه اینکه نظام کفرآلود و شرک‌آلود جهانی بر ما الهام‌بخش باشد و نه ساختارها، سازمان‌ها، روش‌ها و منش‌های آنها برای رسیدن به توسعه مدنظرشان بر ما سایه‌افکن باشد. ما باید صادر کننده باشیم. مفسر شبکه اول بی‌بی‌سی می‌گوید که، آنچه در انقلاب ایران سال ۱۹۷۹ رخ داد نه تنها برای ایرانیان بلکه برای تمام ادیان جهان نقطه عطفی بود که از بازگشت میلیون‌ها انسان در سراسر دنیا به اصول‌گرایی مذهبی خبر می‌دهد. این مفسر می‌گوید که انسان‌ها به اصول‌گرایی مذهبی روی آوردند، حتی در ترکیه نیز روند بازگشت به اصول اسلامی سرعت گرفته است. البته به کرات این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجه یا بین‌الملل اسلامی اعلام کردیم که هدف انقلاب گسترش و نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هست. ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های



فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم و تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار شدند نابود کنیم. البته امام می‌گوید ما لشکرکشی نمی‌کنیم بلکه هدف ما فعالیت فرهنگی و بسط نظام رسول‌الله صلی الله علیه آله در جهان است. ما به خواست خدا، با صدور انقلاب که در حقیقت صدور اسلام است به سیطره و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مصلحه‌حق هموار می‌کنیم. ایشان در بیانی خطاب به فرزندان شهدا می‌فرمایند به جمهوری اسلامی که ثمره خون پدران است تا پای جان وفادار بمانید و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ بیان خون شهیدان زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم الاوصیا و اولیا حضرت بقیه الله روحی فداه فراهم سازید و در بیان دیگری می‌فرمایند: ما امروز دورنمای صدور انقلاب را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیک‌تر می‌نماید، گویی جهان برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و مستضعفان مهیا می‌شود. اما امام برای بحث ظهور و بحث خاتمه انقلاب در جریان ظهور، زمان تعیین نکردند. ممکن است برداشت‌های سطحی نیز در این زمینه مطرح شود. انقلاب اسلامی برای هیچ کس قابل پیش‌بینی نبود. سازمان‌های جاسوسی تشخیص ندادند که انقلاب اسلامی به وقوع می‌پیوندد، حتی قبل از پیروزی انقلاب، «کارت» در صحبتی، ایران را جزیره امن معرفی کرد و گزارش سیا مبنی بر این بود که هیچ خبری در ایران نیست. امام (ره) می‌فرماید: همان طور که انقلاب وعده الهی بود و وعده الهی در مدت کمی به وقوع پیوست، در خصوص ظهور حضرت حجت نیز امیدوارم به زودی واقع شود. از خدا بعید نیست «و لیس من الله بمستنکر» که دهر را در ساعتی بگنجانند و جهان را به مستضعفان، این وارشان ارض بسپارد و

دولت ممهد؛ نسبت سنجی آرمان انتظار و... ■ ۶۵

آفاق را به جلوه الهی ولی الله الاعظم روشن فرماید و پرچم توحید و عدالت را در عالم بر فراز کاخ‌های سفید و سرخ به اهتزاز درآورد «و ما ذلک علی الله بعزیز» پایان جلسه را با دعایی از خود حضرت امام (ره) ختم می‌کنم: «خداوندا بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخ‌های ستم جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان و همه ملت‌ها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان و پایرهنگان برخوردار گردان».



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
دانشگاه آزاد اسلامی

تهران - خیابان ولی عصر (ع) ، خیابان دمشق ، شماره ۹ ، پژوهشگاه فرهنگ ، هنر و ارتباطات  
صندوق پستی : ۶۴۷۴-۱۴۱۵۵ تلفن : ۴-۲۲۱۳-۸۱۹۰

[www.ricac.ac.ir](http://www.ricac.ac.ir)